

شرح دردشیران

گوشه ای از احوالات دلباخته امام زمان (عج)

مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی)



به انضمام دو کتاب:

نورالابصار فی فضیلة الانتظار و

کنز الغنائم فی فوائد الدعا للقائم (ع)



شرح درد فراق

گوشه‌ای از احوالات دلباخته امام زمان (عجله الله فرجه)

مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی (فقیه احمدآبادی)

صاحب کتاب شریف مکیال المکارم

به انضمام دو کتاب

نورالابصار فی فضیلة الانتظار

و

کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم

«با تحقیق در آیات و روایات»

تحقیق و تنظیم: محمود امامی

امامی ، محمود ، ۱۳۵۰ -

شرح درد فراق : گوشه ای از احوالات دلباخته امام زمان (ع) ، مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی) صاحب کتاب شریف مکیال المکارم به انضمام دو کتاب نورالابصار فی فضیله الانتظار و کنز الغنائم فی فوائد الدعاء، للقائم با تحقیق در آیات و روایات / تحقیق و تنظیم محمود امامی. - اصفهان : طوبی نصف جهان. ۱۳۸۳. ۱۴۴ ص.

ISBN 964-95449-0-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. اصفهانی ، محمد تقی ، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸ . ۲ . مهدویت - - انتظار . ۳ . محمد ابن حسن (عج) ، امام دوازدهم . ۲۵۶ ق .
۴ . دعاها . ۵ . مجتهدان و علما - - ایران - - اصفهان . الف . اصفهانی ، محمد تقی ، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸ . مکیال المکارم فی
فوائد الدعاء للقائم (ع) . ب . اصفهانی ، محمد تقی ، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸ . نورالابصار فی فضیله الانتظار . ج . اصفهانی ، محمد
تقی ، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸ . کنز الغنائم فی فوائد الدعاء، للقائم (ع) . د . عنوان . ه . عنوان: گوشه ای از احوالات دلباخته امام
زمان (ع) ، مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی .

۲۹۷/۹۹۸

۸ الف ۶۲ الف / ۳/ ۵۵ BP

۸۶۲-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

شرح درد فراق

تحقیق و تنظیم: محمود امامی

ناشر: موسسه انتشاراتی طوبی نصف جهان

ناظر فنی چاپ: مهندس محی الدین چیت ساز اصفهانی

لیتوگرافی: آسمان ، چاپ: رضوی ، صحافی: توحید

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

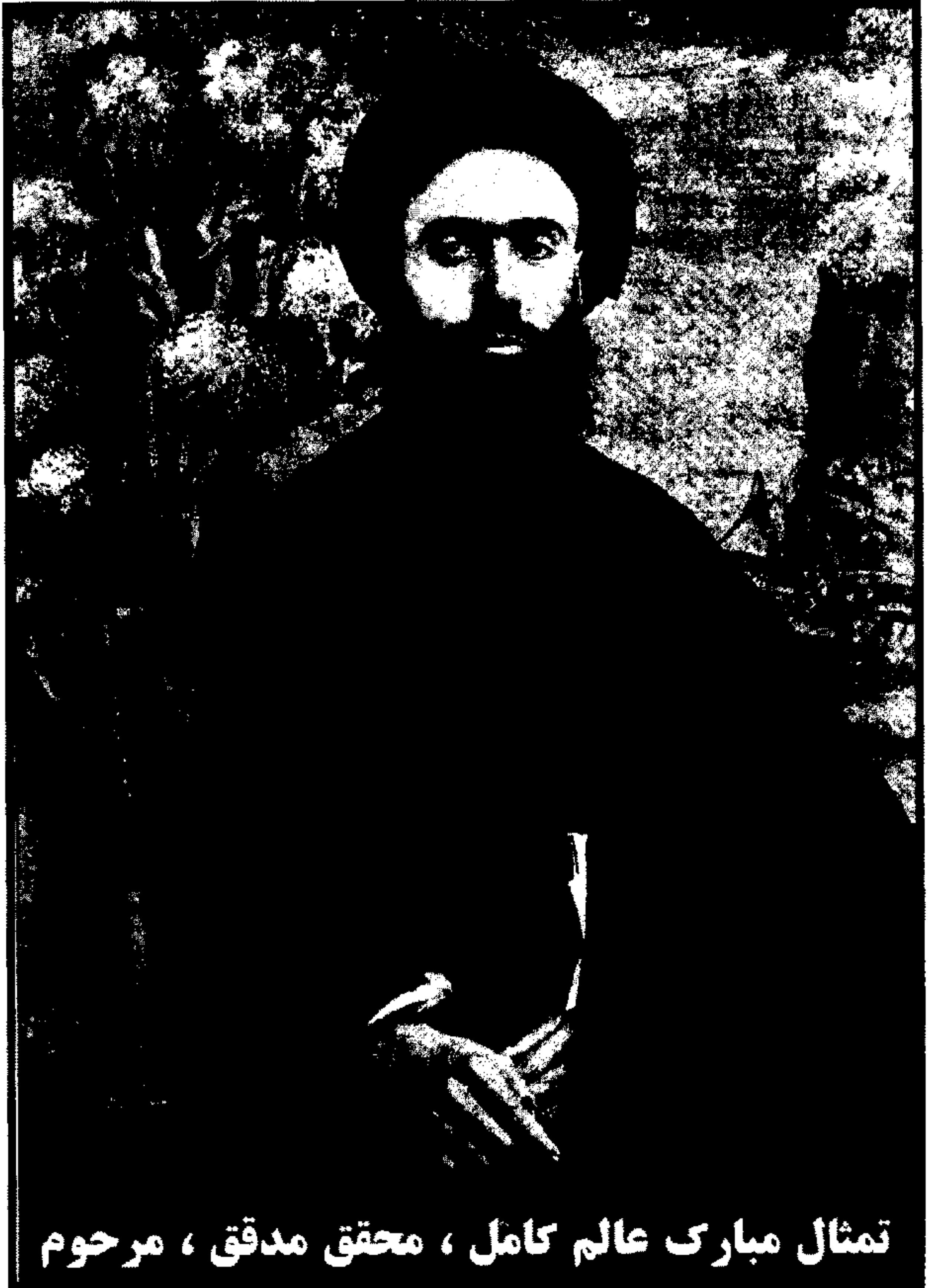
قیمت: ۷۰۰ تومان

ISBN 964-95449-0-9

شابک: ۹۶۴-۹۵۴۴۹-۰-۹

مرکز پخش ، اصفهان ، صندوق پستی: ۱۹۸۱ - ۸۱۴۶۵ ، تلفن: ۲۳۳۷۸۶۱

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ و استفاده از مطالب موجود با ذکر نام اثر و نویسنده بلامانع می باشد.



تمثال مبارک عالم کامل ، محقق مدقق ، مرحوم

آیت اللہ حاج میرزا محمد موسیٰ صاحب تبریزی

صاحب کتاب ذکریات الیکلام

تقریظ لجنه الاسلام الله الرحمن الرحیم حاج آقا محمد تقی اصفهانی
بعد الحمد والصلوة از مضامین احادیث و اخبار
اهل بیت سلام الله علیهم مستفاد میشود
که خداوند فعال در هر زمان افراد عالم و
یاک و با ایمانی را در میان بندگانش بر حسب
میدهد که آنها چراغی باشند که بتوانند جمعی را
بوسیله گفتار و کردار خود رهبری نمایند و از تاریکی
های جهل و نادانی نجات دهند بخصوص در امر معرفت
و شناسائی امام عصر تجلی الله فرخنده چون معرفت با مختص
شرط واقعی ایمانست و بدون معرفت با مختصت و انجام
وظایف نسبت به ایشان هیچ عبادتی مقبول در پیشگاه الهی
نیست لذا جناب عالم فاضل متقی اقا شیخ محمود امامی
و فقید الله لرضات جموع حاضران که تلفیق شده با آرزوی
نور الابصار و کثر الغنائم مرحوم آیت الله مؤلف کتاب
مکیال المتکلمین که از نهایت استهوار لازم به تعریف نیست
با بعضی مطالب دیگر راجع با مختصت اقدام بطبع و نشر آن
امید است مؤمنین از فوائد آن بهره مند گردند

من هجرک يا حبيب قلبى قد ذاب

انظر نظراً إلى يابن الأطياب

إن غبت لذنبتنا فتبتنا

أوخفت من العدى فما للأحباب

الجور فشا على المحبين فقم

يا منتقماً بأمر رب الأرباب^(١)

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
گوشه‌ای از احوالات دلباخته امام زمان <small>(علیه السلام)</small> آیت‌الله فقیه احمدآبادی	۱۱
بیان خوابی از جد مادری ایشان	۱۳
دو قضیه ارزشمند از همسر ایشان	۱۴
بعضی اساتید ایشان	۱۶
ارتحال و شهادت	۱۸
دوات پر مرکب زیر خاک رفت	۲۰
اشتغال و جدیت	۲۱
بیان چند قضیه از عنایات حضرت ولی عصر <small>(علیه السلام)</small> به ایشان	۲۳
۱- سبب تألیف کتاب شریف مکیال المکارم	۲۵
۲- اداء بدهی به واسطه توسل به امام زمان <small>(علیه السلام)</small>	۲۶
۳- افضلیت صله امام در زمان غیبت از زمان ظهور	۲۷
۴- تشرّف به خدمت امام زمان <small>(علیه السلام)</small> در عالم رؤیا	۲۸
۵- رسیدن پول از راه بی گمان	۳۰
۶- تشرّف به خانه خدا بوسیله دعاء برای فرج امام زمان <small>(علیه السلام)</small>	۳۱
۷- تجلّی نور	۳۲
۸- امداد غیبی و عنایت حسینی	۳۳
۹- رؤیایی عجیب که حدیثی جالب را تفسیر می‌کند	۳۵
۱۰- اهمیت کتاب آئین جمعه	۳۶
بیان اشعار فارسی و عربی ایشان	۳۹

کتاب نورالابصار فی فضیلة الانتظار

۵۵	مقدمه کتاب نورالابصار
۵۶	احادیثی در فضیلت انتظار
۶۵	احادیثی در واجب بودن انتظار
۶۸	مراد از انتظار قلبی
۷۰	انتظار واجب بدنی
۷۱	انتظار قلبی کامل
۷۳	علامات و آثار انتظار

کتاب کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم

۸۱	مقدمه کتاب کنز الغنائم
۸۴	تعجیل مذموم
۸۵	علامات امام <small>علیه السلام</small>
۸۷	ادای حق مؤمن افضل اعمال است
۸۹	طریق ادای حقوق امام زمان <small>علیه السلام</small>
۹۰	دعای به امام زمان از اقسام ادای حق آنجناب است
۹۲	اهتمام ائمه <small>علیهم السلام</small> در دعا به امام دوازدهم <small>علیه السلام</small>
۹۶	سرّ اهتمام ائمه <small>علیهم السلام</small> در دعا به امام دوازدهم <small>علیه السلام</small>
۹۸	منافع دنیویة دعای در حق امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۰۴	مداومت به دعای تعجیل ظهور موجب نزدیکی آن می شود
۱۰۶	فوائد اخرویة دعای در حق امام زمان <small>علیه السلام</small>

۱۱۳	فضیلت احترام عالم عامل
۱۱۴	شروط فائز شدن به تمامی فوائد دعای در حق امام زمان <small>(علیه السلام)</small>
۱۱۹	سه جواب از شبهه قاصرین
۱۲۱	اوقاتی که مؤکد است دعای به آن حضرت
۱۲۵	آداب دعای به آن حضرت
۲۶	بعض ادعیه منقوله برای فرج امام زمان <small>(علیه السلام)</small>
۱۴۱	فهرست مصادر تحقیق

گوشه‌ای از احوالات دل‌باخته امام زمان (علیه السلام)

مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی

(فقیه احمدآبادی)

صاحب کتاب شریف مکیال المکارم

قال رسول الله ﷺ:

عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ

در هنگام ذکر صالحین رحمت الهی نازل می شود. (۱)



«گوشه‌ای از حوالات دلباخته امام زمان علیه السلام» آیت الله فقیه احمدآبادی»

مرحوم آیت الله سید محمد تقی فقیه احمدآبادی ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و از مفاخر زمان خویش بود. او عالمی عامل و زاهدی عابد بود که دوران زندگی پر محنت خویش را با قناعت و مناعت طبع سپری نمود و در مقام عزت نفس مأوی گرفت.

قال علی علیه السلام: «عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمِعَ»^(۱) هرکس قناعت کرد عزیز شد و هرکس طمع ورزید ذلیل و خوار گردید.

آری! او مصداق این حدیث شریف بود و در مشکلات زندگی جز به اولیاء خدا یعنی ائمه هدی علیهم السلام پناهنده نمی‌شد و جز از ایشان مدد نمی‌گرفت.

در سیر مراتب معنوی، شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام را سرلوحه راه خویش قرار داده بود و خالی شدن دل از محبت اغیار و اتصال دائمی قلب به حجت اغیار علیهم السلام را نشانه آن شناخت می‌دانست.

گره‌می جوئی وصال یار را کن برون از قلب خود اغیار را

در او ذكاء و دقت در فهم و نیکوئی نفس و فصاحت و زیبایی خط، جمع گردیده بود چنانچه استاد بزرگوارش مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی (ره) درباره اش نوشت:

...صاحب ذهن و قّاد و فهم نقّاد و جودت طبع و سلیقه مستقیم و بیرون از خواری تبعیت و نائل به عزت استقلال و رسیده به مرتبه اجتهاد و استنباط فروع از اصول و مروج دین و ناشر احکام و...^(۱)

مرحوم آیت الله السید التقی النقیّی محمد تقی الموسوی در سال ۱۳۰۱ هـ ق در خانواده‌ای با تقوی و اهل علم در شهر اصفهان پا بر عرصه وجود نهاد. پدر ایشان مرحوم سید میرزا عبدالرزاق بن میرزا عبدالجواد بن الحاج السید محمد مهدی الموسوی نائب الصدر اصفهانی، ملقب به افتخارالدین و مکنی به ابو عبدالله، از علماء معروف و از مجتهدین زمان خود بود که در مسجد امامزاده اسماعیل^(۲) (واقع در خیابان هاتف اصفهان) اقامه جماعت می نمود. مرحوم مؤلف در بعضی از مؤلفات خود پدرش را اینگونه توصیف نموده: «العالم الرّبانی والحبر الصمدانی الجامع بین مرتبتی العلم والعمل المبرراً عن کل نقص و خطل فقیه آل الرسول و رئیس العلماء الفحول...»

۱- قسمتی از اجازه نامه آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی به نقل از: مکالمات المکارم ج ۱۸۱.

۲- السید اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن بن علی بن ایطالب.

و اما مادر ایشان: دختر الحاج میرزا حسین نائب الصدر خاتون آبادی متوفای ۱۳۲۶ هجری قمری (رحمه الله) بوده است. حاج میرزا حسین مردی با تقوی و از دوستان اهل البیت (علیهم السلام) بوده و مرحوم مؤلف درباره ایشان خوابی را نقل نموده که دلالت بر نیکوئی احوالش دارد.

ایشان در جلد دوم مکیال المکارم نقل می کنند که در یکی از سالها دچار مشکلی مهم شده بودم بطوریکه فکر مرا به خود مشغول نموده بود. در یکی از شبها در عالم رؤیا خدمت جد مادریم (حاج میرزا حسین نائب الصدر) که از سادات و صالحین بود، رسیدم. او را در باغی دیدم نیکوتر از باغهایی که آرزویش را داشت. او در بهترین احوالات و زیباترین هیئتها بود. بر او سلام کردم پس جوابم را داد و بین من و ایشان گفتگوهایی شد. از آن جمله از ایشان درخواست نمودم که برای برطرف شدن مشکلم دعا کنند. جدّم بمن فرمود: ما بدون اذن امام (علیه السلام) دعا نمی کنیم و هرگاه امری برای ما واقع شود آنرا بر امام زمان (علیه السلام) عرضه می کنیم. اگر آن حضرت اذن داده و امضاء نمودند، برای اصلاح آن امر دعا می کنیم و اگر اذن ندهند برای آن دعا نخواهیم نمود. (۱)

و اما همسر ایشان: همسر آیت الله فقیه احمد آبادی، بانوی صالحه و عابده، مرحومه خانم آقا فرزند مرحوم مغفور آقای محمد جعفر، بودند. این بانوی صالحه، در اثر کثرت توسل و استمداد از ارواح پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) و امامزادگان عظیم الشأن و اولیاء الله، و بالاخص در

توسّل به امام زمان (عج) و عریضه نوشتن به محضر آن حضرت، زیانزد بودند و مشکلات بسیار زیادی را در زندگی خود و فرزندان و بستگانشان (که لا ینحل شمردہ می شد) با توسّلات مخلصانه و مستمر برطرف می نمودند. این بانوی صالحه علاوه بر تشرّفات که در عالم رؤیا به محضر اولیاء الهی داشتند، به دنبال یک ختم طولانی و سنگین، حضرت خضر نبی را در بیداری ملاقات نموده و شرفیاب محضرشان گردیدند.

دو قضیه جالب و ارزشمند درباره ایشان

۱- شبی مرحومه حاجیه منصوره (دختر صاحب مکیال و همسر آیت الله حاج سید مرتضی ابطحی) در عالم رؤیا می بینند در کنار چشمه ای که از خیابان احمدآباد گذر می کرد و پلی بر روی آن زده شده بود که به آن «پل بلند» می گفتند، آقائی بزرگوار و نورانی و خوش سیما ایستاده است و به ایشان فرمودند: به مادرت بگو چرا مدتی است برای من نامه نمی نویسد؟ فردای آن شب همسر مرحوم آیه الله فقیه احمدآبادی به منزل فرزندشان (حاجیه منصوره خانم) می آیند و ایشان از مادر سؤال می کنند که شما عریضه نوشتن به امام زمان (علیه السلام) را ترک کرده اید؟ مادر می پرسند چطور؟ ایشان جریان رؤیای خود را می گویند، همسر آیه الله فقیه احمدآبادی منقلب می شوند و توضیح می دهند که من به فکر افتاده بودم آیا عریضه هائی که به محضر امام زمان (عج) می نویسم به دست ایشان می رسد یا نه؟ و لذا مدّتی بود بطور کلی عریضه نوشتن را ترک کرده بودم و به هیچ کس اظهار نکردم تا ببینم نشانه ای ظاهر می شود یا نه؟

جانب است بدانیم که همسر آیه الله فقیه احمدآبادی عریضه های خود را در همین چشمه و در همین قسمت از آن که معروف به «پل بلند» است می انداخته اند و آقا امام زمان (عج) هم در عالم رؤیا در همان محل ایستاده بوده اند.

۲- مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی در یکی از سالها به اتفاق همسرشان مرحومه حاجیه منصوره خانم فقیه احمدآبادی به قصد حج بیت الله الحرام و زیارت رسول خدا ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام به مکه معظمه و مدینه منوره مشرف شدند و روزهای زیادی گذشت و نامه یا خبری از آنها نرسید و همه نگران گردیدند. روزی همسر آیت الله فقیه احمدآبادی (مادر حاجیه منصوره خانم) به منزل فرزندشان می آیند و مشغول ختم صلوات (که مشتمل بر فرستادن چهارده هزار صلوات در یک مجلس می باشد) می شوند که ناگه صدای در خانه بلند می شود. ایشان میگویند بروید در را باز کنید که نامه خبر سلامتی مسافران رسیده است، وقتی در را باز می کنند ملاحظه می نمایند که نامه رسان است و خبر سلامتی زائران را آورده است. از ایشان سؤال می شود از کجا فهمیدید صدای درب خانه از نامه رسان است؟! گفتند من ختم صلوات را شروع کردم و یقین داشتم که لطف اهل البیت علیهم السلام در آن حد است که ختم من تمام نشده حاجتم را روا می سازند.

و بالاخره این بانوی صالحه در سال ۱۳۸۸ قمری بدرود حیات گفتند و در فاصله چند متری مرقد مطهر همسر بزرگوارشان در طرف شرق تکیه سادات احمدآبادی

مدفون گردیدند^(۱)، روحش شاد و با اولیاء طاهرینش محشور باد.

و اما اولاد ایشان: خداوند به این عالم ربّانی هشت فرزند پسر و دختر عنایت نمود که از جمله ایشان است سیدالعلماء الاعلام و ملاذ الخواص و العوام حاج آقامحمد فقیه احمدآبادی که دارای تألیفات عالیه و ملکات فاضله می باشند. ایشان را رساله‌ای است در ترجمه و احوالات مرحوم طبیب‌زاده که همراه کتاب «حورمقصورات» به طبع رسیده است. دیگر از فرزندان ایشان حجة الاسلام و المسلمین حاج آقاسیدعباس فقیه احمدآبادی هستند که از فضلاء و ائمه جماعت و خطباء شهر اصفهان می باشند.

بعضی اساتید ایشان

۱- مرحوم پدر بزرگوارشان سید عبدالرزاق الموسوی متوفای ۱۳۱۹ قمری
 ۲- عالم ادیب میرزااسدالله که پسرعمه سید بوده و علم نحو و تصریف را نزد ایشان تعلّم نموده است.

۳- علامه محقق و ادیب نامدار آقاسید محمود حسینی کلیشادی اصفهانی
 متوفای ۱۳۲۴ قمری

۴- آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی متوفای ۱۳۵۳ قمری که از ایشان اجازه اجتهاد و نقل روایات اخذ نمود. مرحوم آیت الله دهکردی از شاگردان میرزای شیرازی اعلی الله مقامه و حاجی نوری و آقا زین العابدین مازندرانی (در نجف اشرف) و آقا میرزا ابوالمعالی کرباسی و آقا میرزا

۱- آشنایی با زندگی و شخصیت آیت الله فقیه احمدآبادی (میرسیدحجت ابطحی) از صفحه ۱۲ تا ۱۵.

محمد حسن نجفی و آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاه‌ی (در اصفهان) بوده و بیش از ۱۵ کتاب تألیف نموده است.

۵- مرحوم محقق نامدار و فقیه و مرجع عالیقدر شیخ عبدالکریم گزی (جزی) متوفای ۱۳۳۹ قمری که از ایشان اجازه روایت گرفت.

۶- مجتهد محقق و رجالی متبحر حاج آقامیرالدین بروجردی اصفهانی متوفای ۱۳۴۲ قمری که از شاگردان میرزای شیرازی و شیخ محمد باقر مسجدشاهی بوده است.

۷- مجتهد و فقیه ادیب مرحوم آیت‌الله میرزا بدیع‌درب‌امامی متوفای ۱۳۱۸ قمری که از مشاهیر علماء و مدرسین حوزه علمیه اصفهان بوده و در مدرسه نیم آورد تدریس می‌نموده است.

۸- حکیم و عارف نامدار ملا محمد کاشانی (معروف به آخوند کاشی) متوفای ۱۳۳۳ قمری که از نوادر روزگار و صاحب کشف و کرامات بوده و بر حکمت علمی و عملی تسلط داشته است.

۹- دانی ایشان، فقیه و مجتهد عظیم الشان مرحوم حاج میر محمد صادق خاتون آبادی متوفای ۱۳۴۸ قمری که از مفاخر شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده و یار و معین آن بزرگوار در تألیف کتاب «کفایة الأصول» بوده است.

۱۰- فقیه اصولی و مجتهد عظیم الشان آخوند ملا حسین فشارکی متوفای ۱۳۵۳ قمری که در اواخر عمر مرجعیت تامه یافت.

۱۱- فقیه و مرجع بزرگوار آیه‌الله آقا سید محمد باقر درچه‌ای متوفای ۱۳۴۲ قمری که از نظر زهد و تقوی دارای مقامی بسیار بلند بوده است.

ارتحال و شهادت

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

مرحوم آیت الله فقیه احمد آبادی در سال ۱۳۴۸ برای زیارت عتبات عالیات بسوی عراق حرکت نمود و با علماء عصر خود از جمله علامه آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (رحمه الله) [صاحب کتاب شریف الذریعه] ملاقات نمود. پس از بازگشت به وطن به علت بیماری فتق ایشان را برای عمل به بیمارستان مراسلین انگلیس (عیسی بن مریم فعلی) بردند که از نظر امکانات دارای موقعیت برجسته‌ای بود. در آن زمان رئیس بیمارستان یکی از بهائی‌های خطرناک مشهور به سرالله خان بود. تا اینکه یک شب که مطابق شب بیست و پنجم ماه مبارک رمضان بوده سرالله خان وارد اطاق ایشان می‌شود و مردان را (که از جمله آنها دامادشان مرحوم مبرور حاج میر سید علی طالقانی رحمه الله علیه و داماد دیگرشان مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی بودند) از اطاق بیرون می‌کند و زنها را به اطاق دیگری می‌فرستد و سمی را که در استکانی بوده به ایشان می‌خوراند و می‌رود، ناگهان وضعیت مزاجی آن بزرگوار دگرگون می‌گردد و در آن هنگام صدای ایشان شنیده می‌شد که می‌گفتند:

حبیبی یا حسین نور عینی یا حسین

و هنگامی که بستگان و اطرافیان ایشان وارد اطاق گردیدند ملاحظه نمودند که روح ایشان به سوی مولایشان پرواز کرده است. بدن شریفش را در مقبره

تخت فولاد اصفهان در جوار پدرش دفن نمودند.

از آیه الله فقیه احمدآبادی در آستانه شهادت و در ساعات آخر عمرشان زمزمه‌ها و جمله هائی نقل گردیده که نشان می‌دهد آن بزرگوار در آینه زلال قلبشان چه منظرهائی را می‌دیده‌اند: می‌فرمودند:

بنا (قرار) است امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشریف بیاورند و گاهی می‌فرمودند: این گنجشکها بر روی درختان بیمارستان برای عید صدا می‌کنند ولی بچه‌های من امسال عید ندارند. و گاهی این شعر را (که از سروده‌های خود ایشان است) زمزمه می‌کردند:

گر بشنوم ظهور ترا بعد مردنم از شوق زیر خاک بدرم بتن کفن

دوات پر مرکب زیر خاک رفت

مرحوم آية الله فقيه احمد آبادی هر روز عصرها دستور می دادند که وسیله چای فراهم شود و همسر و فرزندان شان دور هم بنشینند و انسی داشته باشند و چای بنوشند و بعد از آن هم نمازی بخوانند، ولی دستور می دادند که هر روز گوشه‌ای از خانه برنامه انجام شود و می فرمودند: میخوام قسمتهای مختلف زمین در روز قیامت شهادت بدهند که ما در این مکان نماز خوانده ایم. بعد از ارتحال و شهادت آن بزرگمرد مرحومه حاجیه خانم منصوره فقیه احمد آبادی (دختر ایشان) در عالم رؤیا مشاهده می کنند که یکی از جلسات انس هر روزه برقرار است و پدرشان در میان جمع هستند و در حالتی محزون زمزمه‌ای جانسوز دارند:

خوش آن روزی که با هم می نشستیم قلم افتاد و کاغذ بر هوا رفت

دوات پر مرکب زیر خاک رفت

آری حیف که دوات پر مرکب زیر خاک رفت، مرکبی که می بایست چندین ده سال دیگر به صورت کلماتی نورانی بر روی صفحات کتاب نقش بندد و چراغهای نورانی فرا راه حق جویان و خدا طلبان قرار دهد که: العلماء سُرُج الازمنة (یعنی علماء چراغهای هدایت در تمام زمانها هستند)^(۱) و به قول شاعر:

جاهل به روز فتنه ره خانه گم کند

عالم چراغ جامعه و چشم عالم است

۱- آشنایی با زندگی و شخصیت آیت الله فقیه احمد آبادی / از صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۱.

اشتغال و جدیت

مرحوم سید با وجود عمری کوتاه آثاری متعدد از خود بجای گذاشت که از جمله آنهاست:

- ۱- تفسیر قرآن مجید (تحقیقی و عربی)
 - ۲- رساله‌ای در بحث تعادل و تراجم در اصول فقه، که دلالت دارد بر اطلاعات و ذوق او در این علم.
 - ۳- ابواب الجنات فی آداب الجمععات (آئین جمعه).
 - ۴- تذکرة الطالبین فی ترجمة آداب المتعلمین، که ایشان بدرخواست میرزا احمد ادیب جواهری آنرا بصورت نظم و بر اسلوب مثنوی در متجاوز از دویست بیت درآورده است. اول آن، این بیت شعر است:
- حمد آن یزدان پاکی را سزااست
که بدست قدرتش ارض و سماست
- و در آخر آن آمده:
- ختم شد سال هزار و سیصد این (۱۳۱۹)
- بعد نه بعد از ده این نظم مهین
- ۵- محاسن الأديب فی دقائق الاعاریب، کتابی است بسیار ارزنده با تحقیقات عمیقی در علم نحو.
 - ۶- توضیح الشواهد، که در توضیح شواهد کتاب «جوامع الشواهد» می باشد.

- ۷- انیس المتفردین و مصاحب المتجرّدین.
- ۸- بساتین الجنان فی علمی المعانی و البیان.
- ۹- نورالابصار فی فضیلة الانتظار و کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم که بصورت دو کتاب فارسی می باشد (کتاب حاضر)
- ۱۰- وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام، کتابی است فارسی که به طبع رسیده است.
- ۱۱- مکیان المکارم، در دو جلد که به طبع رسیده است.
- ۱۲- ترغیب الطلاب، در علم نحو است.
- ۱۳- سراج القبور در آداب تهجد و شب زنده داری.
- ۱۴- تحفة المتأدبیز، در شرح کتاب هدایة الطالبین.
- ۱۵- آداب صلاة النلیل، این کتاب عربی است که به درخواست یکی از طلاب آنرا تألیف نمود.
- عمده ترین عامل ترقی علمی و معنوی او، اخلاص در طلب علم و توسّلات کثیره اش به ائمه هدی (علیهم السلام) خصوصاً حضرت ولی عصر (علیه السلام) می باشد.

بیان چند قضیه از عنایات ائمه معصومین (علیهم السلام)

خصوصاً حضرت ولی عصر (علیه السلام) به ایشان

ای وصل تو غایة المراد دل ما
وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما

اندر دل ما لشکر غم منزل کرد
ز آنروز که دور گشتی از منزل ما

از آیت الله فقیه احمدآبادی

۱- سبب تأليف كتاب شريف مكيال المكارم:

مرحوم مؤلف مي فرمايند: به ذهنم رسيد كه كتابي در خصوص فوائد دعا كردن براي فرج امام زمان عليه السلام بنويسم اما مشكلات زمان مرا از كتابت آن محروم نموده بود تا اينكه شبى در عالم رؤيا برايم تجلى كرد كسى كه قادر به وصف او به قلم و كلام نيستم او كه مولاي من و امام من و محبوب قلب شكسته ام مي باشد يعنى حضرت ولي عصر عليه السلام و با كلامي مليح و زيبا به من فرمود: اين كتاب را بنويس و عربى هم بنويس و نام او را بگذار:

«مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم»

پس همچون شخصى عطشان از خواب بيدار شدم و تصميم گرفتم كه اين كتاب را بنويسم اما توفيق شامل حالم نمى شد تا اينكه در سال ۱۳۳۰ قمرى به مكه معظمه مشرف شدم. در آنجا مرض وبا مردم را فرا گرفته بود و با خداوند عهد بستم كه اگر مرا از اين مهلكه نجات داد و سالم به وطنم بازگشت نمايم شروع به تأليف اين كتاب كنم. و خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگردانيد پس شروع كردم به تأليف آن به جهت امثال نمودن گفتار خداوند كه فرموده: (و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم.)^(۱) (۲)

۲- اداء بدهی بواسطه توسل به امام زمان (علیه السلام):

در یکی از سالها بدهکاری من زیاد شد و سینه‌ام تنگ گردید. ماه رمضان شد و من در یکی از شبها در وقت سحر با امام زمان (علیه السلام) راز و نیاز می نمودم و از حضرتش درخواست می کردم که این مشکل مرا برطرف نمایند. پس از اقامه نماز صبح در مسجد و بازگشت به خانه قدری خوابیدم. در عالم رؤیا به لقاء حضرت ولی عصر (علیه السلام) رسیدم پس به من به زبان فارسی فرمودند: «قدری باید صبر کنی تا از مال خاص دوستان خاص خود بگیریم و بتو برسانیم».

وقتی از خواب بیدار شدم بوی خوشی به مشمام رسید و احساس می کردم هم و غم من برطرف شده، چند ماهی نگذشته بود که عده‌ای از متدینین به منزل آمدند و مقداری پول به من دادند و گفتند اینها از سهم امام (علیه السلام) است. (۱)

۳- افضلیت صله امام عليه السلام در زمان غیبت از زمان ظهور:

مرحوم مؤلف در بحث صله امام عليه السلام با مال در زمان غیبت و افضلیت آن از زمان ظهور، روایتی را بیان می‌کند سپس می‌نویسد: از مؤیدات آنچه ذکر شد آنست که شبی در عالم رؤیا خدمت شخص جلیلی رسیدم. ایشان به من فرمودند: ثواب مالی را که انسان در زمان غیبت در راه امامش خرج می‌کند، هزار و یک مرتبه بیشتر از همان مقدار مال است که در زمان حضور حضرت بذل می‌نماید.^(۱)

اگرچه برای ما معلوم نیست که آن شخص جلیل‌القدر چه کسی بوده است اما مسلماً این خواب نیز از تأییدات حضرت ولی عصر عليه السلام می‌باشد که ایشان را در فهم احادیث اینگونه یاری نموده‌اند.

۴- مواظبت بر خواندن دعای «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُوْلَكَ الصّٰدِقَ الْمَصْدُقَ...» و تشرّف به خدمت امام زمان علیه السلام می فرماید:

ایشان در بحث فوائد دعای برای امام زمان علیه السلام می فرماید: «المکرمۃ التاسعة عشرة الفوز بشرف لقائه فی الیقظة او المنام» فائده نوزدهم از فوائد دعای برای امام زمان علیه السلام آنست که انسان در خواب یا بیداری خدمت آن حضرت مشرّف خواهد شد سپس می نویسد در این زمینه دعاهای مخصوصی وارد شده که مداومت بر آنها انسان را به چنین فیضی نائل خواهد نمود، یکی از آنها دعائی است که باید بعد از هر نماز واجبی آنرا بخواند و آن دعا این است: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُوْلَكَ الصّٰدِقَ الْمَصْدُقَ...»^(۱) و اینجانب (سید محمد تقی موسوی) از اول تکلیف بر آن مداومت کرده ام و تا بحال سه مرتبه در عالم رؤیا خدمت حضرتش مشرف شده ام یکی از آن موارد اینست:

شبی در عالم رؤیا دیدم امام زمان علیه السلام در حالی که یکی از انبیاء بنی اسرائیل با ایشان بود پس از ورود به خانه ام داخل در اتاقی که بطرف قبله بود شدند و به من دستور دادند که مصائب مولایم امام حسین علیه السلام را ذکر نمایم پس اطاعت نمودم و آن حضرت در مقابل من نشستند و استماع می نمودند. بعد از ذکر مصیبت رو به طرف کربلا نمودم و آقایم امام حسین علیه السلام را زیارت کردم سپس بطرف طوس (خراسان) رو نمودم و

۱- این دعا در صفحه ۱۲۶ همین کتاب آورده شده است.

سلامی به مولایم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دادم سپس به جانب آنحضرت رو کردم و حضرتش را زیارت کردم. وقتی از زیارت فارغ شدم آن پیغمبری که با آن حضرت بود مبلغی را از طرف آن حضرت به من داد که مقدار آنرا نمی دانم پس از آن، آن دو بزرگوار غائب شدند. روز بعد یکی از علماء بزرگوار را ملاقات نمودم و ایشان مقداری پول به من دادند. با خود گفتم (هذا تأویل رؤیای من قبل قد جعلها ربی حقاً)^(۱). بعد از دیدن این خواب آنقدر از علوم و معارف الهیه بر من افاضه شد که نمی توانم آنرا به قلم درآورم.^(۲)

۱- یوسف/۱۰۰ یعنی اینست تأویل رؤیای من که قبلاً دیده بودم، خداوند آنرا برای من حقیقت قرار داد.

۲- مکیال المکارم: ۴۵۸/۱.

۵- رسیدن پول از راه بی گمان:

استاد رمضان بنا که مردی مخلص و راستگو بوده با اشکی جاری و حسرتی جانسوز نقل کرده که: روزی من در منزل آیه الله فقیه احمدآبادی بنائی می کردم، قبل از ظهر به ایشان گفتم مقداری پول به کارگران بدهید که نهار تهیه کنند. ایشان فرمودند: بسیار خوب، ولی پول ندادند و من برای بار دوم و سوم (هر کدام با فاصله) عرض کردم به کارگران پولی بدهید برای نهار و ایشان جوابی ندادند و در یک حالت توسل قرار گرفتند و مشغول ذکری بودند و در اطراف خانه حرکت می کردند، ناگاه شخصی درب خانه را زد و گفت من از خوانسار هستم و مقداری پول به آقا داد و رفت و آقا از آن پول به کارگران دادند و معلوم شد که ایشان هیچ پول نداشتند و با توسل و دعا خداوند متعال از راه بی گمان مشکل ایشان را برطرف نمود آری:

و من یتقی الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب^(۱)

و هر کس تقوای الهی را پیشه نمود خداوند برای او گشایش قرار می دهد و از راه بی گمان روزی او را می رساند.^(۲)

۶- تشرّف به خانه خدا با دعاء برای فرج امام زمان عليه السلام:

مرحوم آية الله فقيه احمد آبادی، شرق زیارت خانه خدا و حج بیت الله الحرام پیدا کرده بردند و با اینکه قطعه زمینی را که به ارث به ايشان رسیده بود در اختیار داشتند ولی مشتریها میخواستند به قیمتی کمتر از ارزش واقعی آن را خریداری نمایند و در نتیجه زاد و راحله سفر فراهم نمیگشت تا اینکه روزی به دوست صمیمی و یار همراه خود در طریق نور یعنی مرحوم آية الله شیخ محمد باقر فقیه ایمانی برخورد می نمایند و میگویند چه ختم و توسلی پیشنهاد می کنید برای رسیدن به حاجت من؟ آن بزرگمرد می گویند شما که خود استاد این راه هستید. ايشان میگویند می خواهی شما راهی را بگوئید. مرحوم آية الله فقیه ایمانی در جواب می گویند بنظر من می رسد که نیت کنید و تصمیم بگیرید که پس از تشرّف به حج و خانه خدا اهمّ دعاها و حوائج شما دعا برای فرج آقا امام زمان عليه السلام باشد. مرحوم آية الله فقیه احمد آبادی حالت انقلاب روحی شدیدی پیدا می کنند و می فرمایند عجب پیشنهاد خوبی است. پس از چند روز مشتری خاصی پیدا می شود و قطعه زمین موروثی یاد شده را با قیمتی مناسب خریداری می کند و ايشان با پول آن به حج مشرف می شوند.^(۱)

(فرزند ارشد ايشان حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی به این حقیر فرمودند این قضیه در مورد سفر به عتبات بوده است).

۷- تجلی نور:

فرزند ارشد ایشان (حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمد فقیه احمدآبادی) نقل نمودند که در سن ۴-۵ سالگی (در یکی از سحرهای ماه رمضان) در کنار پدرم نشسته بودم و درهای اطاق به جهت سردی هوا بسته بود، ناگاه دیدم خانه پر از نور شد و مرکز نور، حیاط خانه بود و پدرم در یک حالت تضرع و التجاء عجیبی بودند. آن حالت نور شدید و کامل ادامه داشت و سپس حالت تاریک شب و حال و هوای طبیعی سحر مجدداً حاکم گردید ولی من به جهت کمی سن متوجه نبودم و اکنون بر محرومیت خودم از کشف آن راز بزرگ افسوس می خورم.^(۱)

۸- امدادی غیبی و عنایت حسینی:

یکی از خانواده‌هائی که با مرحوم آیه‌الله فقیه احمدآبادی آشنائی داشته‌اند و از فامیل‌های سرشناس و سابقه‌دار و دارای موقعیت اجتماعی بوده‌اند تصمیم می‌گیرد که بدون اجرای صیغه عقد شرعی، عروس و داماد با هم معاشرت نمایند و زندگی خود را آغاز نموده و این بدعت را در جامعه مطرح سازند. آن بزرگمرد احساس می‌کند که این اقدام یک حرکت بسیار خطرناک و پرمفسده است و اگر این حرکت زشت تحقق یابد چه بسا در خانواده‌های دیگر و در میان مردم سست ایمان بتدریج رایج شود و لذا آن بزرگمرد بدون دعوت به مجلس آنها می‌رود و کوشش می‌کند که از این عمل زشت جلوگیری نماید و اجراء صیغه میکنند و آن مرحوم با دلی پرخون و خاطری افسرده به منزل بر می‌گردند، و از آنطرف با توجه به رسوم اجتماعی زمان از منزلی که مراسم عقد بود خوانچه برای آقائی که صیغه عقد را اجراء می‌نمود می‌فرستادند و به همین جهت فرزندان آن بزرگوار که بی اطلاع از جریانات بودند به انتظار آمدن غذای عروسی بیدار می‌مانند و در هنگام بازگشت مرحوم آیه‌الله فقیه احمدآبادی با توجه به حالت ایشان همگی افسرده خاطر می‌شوند ولی مدتی نمی‌گذرد که درب خانه زده می‌شود و فقط دست کوبنده در پیدا بوده و سینی برنج طبخ شده‌ای را می‌دهد و می‌گوید این را حسین داده است و به حاج آقا بگوئید جائی گفته نشود. پس از آن مدتی طولانی از آن برنج طبخ شده استفاده می‌کرده‌اند و کم نمی‌شده است تا اینکه یکی از کسانی که بایک خانواده‌ای از اعیان و اشراف شهر در رفت و آمد بوده وارد می‌شود و از آن غذا استفاده می‌کند و

می‌گوید: این برنج از کجاست؟! من از انواع و اقسام غذاهای خوب و تهیه شده بوسیله بهترین آشپزها بهره گرفته‌ام و چنین غذائی تاکنون نخورده‌ام، این برنج زمینی نیست و غذای آسمانی است و با اصرار زیاد قضیه را از همسر آقا جو یا می‌شود و وقتی داستان را برای او نقل می‌نمایند از آن پس غذاها رو به اتمام می‌گذارد و با مصرف تدریجی آن تمام می‌شود.^(۱)

۹- رؤیائی عجیب که حدیثی جالب را تفسیر می‌کند:

سیدی صالح و معتمد (مرحوم سید عبدالعلی امامی که از اخیار و صلحاء بوده‌اند) بعد از ارتحال مرحوم آیه‌الله فقیه احمدآبادی در عالم رؤیا مشاهده می‌کند که جمعیت بسیار زیادی از بزرگان که چهره‌های آنها نشان می‌داد مقامی فوق العاده دارند به مرحوم آیه‌الله فقیه احمدآبادی اقتداء کرده‌اند و ایشان امامت جماعت را بر عهده دارند، از ایشان سؤال می‌کند که اینها کیستند به شما اقتداء کرده‌اند؟ آن مرحوم در پاسخ می‌گویند: اینها انبیاء (و پیامبران الهی) هستند. آری: علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل^(۱) یعنی علماء امت من مانند انبیاء بنی اسرائیل هستند.^(۲)

۱۰- اهمیت کتاب آئین جمعه:

سید صالح مرحوم آقا سید مهدی عتدائی نقل کردند که روزی هنگام ظهر به مسجد سراج الملک رفتم و در آن زمان روحانی جلیل القدر و متقی آقای حاج شیخ سیف الله طاهری دام عزّه امامت جماعت داشتند، دیدم کتابی جالب با جلدی زیبا در کنار محراب مسجد و جای نماز آقای طاهری بود. به ایشان گفتم اجازه می دهید کتابرا ببینم؟ گفتند بفرمائید، دیدم کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمععات (آئین جمعه)، تألیف آیه الله موسوی فقیه احمدآبادی است و عکس ایشان در ابتدای کتاب به چاپ رسیده بود. از آقای طاهری اجازه خواستم که کتاب یاد شده را چند روزی به منزل ببرم و مطالعه کنم، ایشان اجازه دادند. پس از اطلاع از مطالب کتاب به بخشی از دستورات آن عمل کردم و برخی از دعاها را خواندم. آنگاه شبی در عالم رؤیا دیدم، جایگاه بسیار مجللی است که از نظر عمارت و صفا فوق العاده می باشد و ناگاه دیدم شخصیت بزرگواری نورانی و زیبا حاضر شدند که از عکس داخل کتاب آئین جمعه (که در بیداری دیده بودم) متوجه شدم که ایشان نویسنده کتاب مرحوم آیه الله آقا سید محمد تقی فقیه احمدآبادی می باشند. به ایشان عرض کردم آقا اینجا کجاست؟ فرمودند: اینجا محلی است که از جمعه و جمعاعات صحبت می شود عرض کردم فلان دعا را در کتاب ابواب الجنات (آئین جمعه) خواندم و فلان کلمه را نتوانستم صحیح ادا کنم، آیا از آقا زاده شما حاج آقا محمد سؤال کنم؟ فرمودند: خیر، ایشان مدتی است بسراغ من نیامده اند. سپس فرمودند: انگشتر لای کتاب است. وقتی بیدار شدم متوجه گردیدم که رؤیائی عجیب بوده و نکاتی را در بر

دارد که اگر با واقعیت‌های خارجی مطابقت داشته باشد نشانه مهمتی برای عظمت کتاب و نویسنده می‌باشد. پس از تحقیق معلوم شد انگشتی که مدتی قبل منقود شده بود (و همه جا را جستجو کرده بودیم و پیدا نشده بود و شخص بی‌گناهی مورد اتهام قرار گرفته بود) در بین کتاب است و در هنگام مطالعه در وسط کتاب قرار داده و کتاب را بسته بودم. و همچنین پس از تحقیق معلوم شد که فرزند ایشان جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمد مدتی است به زیارت قبر مطهر پدرشان نرفته‌اند.^(۱)

۱- آشنایی با زندگی و شخصیت آیت‌الله فقیه احمدآبادی/ ۱۱۰ و ۱۱۱.

۱۱- یا حسین اگر زنده می بودم بچه هایم را قربانت می کردم:

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا جلال اژه‌ای پس از شهادت آیه الله فقیه احمد آبادی، شبی در عالم رؤیا می بینند که آن بزرگوار بر فراز منبری بلند قرار گرفته و سخن می گویند و در هنگام سخنرانی خطاب به حضرت سیدالشهداء نمودند و گفتند: یا حسین اگر زنده می بودم بچه هایم را قربانت می کردم مرحوم آقای اژه‌ای متوجه می شوند که ایشان از دنیا رفته‌اند و لذا سؤال می کنند که آنجا چه خبر است؟ ایشان در جواب می گویند: مطلب همانست که گفتم.

عاشق او را چه اعتناست به جنت

جنت عشاق خاک کوی حسین است

مرحوم سید دارای خطی زیبا بوده و بعضی کتب حوزوی را نسخه برداری نموده است، از جمله آنها کتاب «نصاب الصبیان» و کتاب «المفصل» نوشته زمخشری و کتاب «توضیح الألفاظ» از فاضل ایجی و «شرح الکافی» نوشته خبیبی و «کتاب فی النحو» می باشد. (۱)

همچنین دارای ذوق شعری بوده که اشعارش بصورت پراکنده در کتابهایش یافت می شود. تخلص او به «تقی» و گاهی «شرعی زاده» می باشد. ما در اینجا گوشه‌ای از اشعار او را (بصورت فارسی و عربی) می آوریم و امیدواریم دعای خیر آن عالم ربّانی و عارف صمدانی بدرقه راهمان گردد.

شش غزل در مورد امام زمان (علیه السلام)

«غزل اول»

ای غائب از نظر نظری سوی ما فکن
 آشفته بین ز غیبت روی تو مرد و زن
 پوشیده نیست حالت افکار ما ز تو
 حاضر میان جمعی و غایب ز انجمن
 از بسکه دور گشت زمان ظهور تو
 نزدیک شد که جان من آید برون ز تن
 گر بشتنوم ظهور ترا بعد مردنم
 از شوق زبر خاک پدیدم بتن کفن
 از محنت زمانه و از جور روزگار
 پا بست غم نهانم و افسرده در علقن
 دارم نصیحتی ز خرد یاد ای «تقی»
 فارغ شوی ز غصه اگر بشتوی ز من
 بگذر از این جهان که نیاید بکار تو
 جز مهر حجة بن حسن شاهد زمن

«غزل دوم»

ز دوری رخت ای پادشه حسن و جمال
 رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال
 بذکر حسن تو کَرّوبیان عالم قدس
 یَسْبَحُونَ لَكَ بِالْغَدْوِ وَالْأَصَالِ
 امام مهدی هادی شهنشه دو جهان
 سَمّی ختم رسل ماحی رسوم ضلال
 اگر زبان همه ممکنات بود مرا
 نمیشدی که ترا گفت وصف شأن و جلال
 به پیش نور تو خورشید ذره‌ای موهوم
 به وصف ذات تو گویندگان تمامی لال
 اگر نبود ز یمن وجود اقدس تو
 بپا نبود نه ارض و سما نه ماه و نه سال
 چنانچه نعمت حق هست از حساب برون
 ترا برون ز حساب است علم و قدر و کمال
 بیا بیا که همه عاشقان سر از سر شوق
 به کف گرفته مهیا برای استقبال
 گذشت عمر من و وصل تو نصیب نشد
 مگر به خواب بینم شبی زمان وصال
 به عجز و لابه توان دید روی یار «تقی»
 به عجز کوش و به زاری مکن تو استعجال

«غزل سوم»

ای بیا از یمن ذات هفت ارض و نه فلک
 ایستاده چون غلامان بر درت خیل ملک
 ریزه خوار خوان احسان تو خلق بر و بحر
 مرغها اندر سما و در ته دریا سمک
 چشمهای عاشقان خونبار شد از هجر تو
 باز آ ای چشم عالم را به جای مردمک
 تا که شد مجروح دلهای محبان از غمت
 دشمنان پاشند بر زخم دل آنها نمک
 طالما أضمرت أحزانی و کاتمت الهوی
 فی حبيب غاب عن عینی و قلبی قد ملک
 آن شهنشاهی که ذاتش مظهر عدل خداست
 آنکه حبش کفر و ایمانراست معیار و محک
 مالک ملک جهان فرمانده دنیا و دین
 حامی شرع پیمبر ماحی طغیان و شک
 عاشقان مردند در هجران و نامد آن نگار
 کاش می‌گشتی خراب از این تطاول ای فلک
 ای که جاء الحق به وصفت آمده اندر نبی
 هین بیا تا مضمحل گردند اهل ریب و شک

کی شود بینم که بهر انتقام آئی برون
 زانکه کرد از دختر ختم رسل غصب فدک
 کی شود بینم جمال بی مثال انورت
 تا بگویم شرح غمهای دل خود یک بیک
 دوش می‌کردم شکایت از حسودان پیش دوست
 در جوابم این ندا آمد که الله معک
 دست از دامان مهدی بر نگیری ای «تقی»
 قَدْ نَجَّيْ مَنْ أُمَّهُ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ هَلَكْ

«غزل چهارم»

وقت آن آمد که آه و ناله را افزون کنم
 عالمی را از فراق یار خود دلخون کنم
 گر بگویم شمه‌ای وصف جمالش را به خلق
 عاقلان را از فراق طلعتش مجنون کنم
 ورنمایم وصف نور روی پاکش آشکار
 سربزیر از شرمساری موسی عمران کنم
 ورنگویم ذره‌ای از زهد او در جهان
 منفعل عیسای زاهد بر سرگردون کنم
 آنکه احمد بر وجود او همی کرد افتخار
 من کیم تا نام او را با زبان مقرون کنم
 آنکه از رفعت بردندش ملایک تا به عرش
 من که چون خاک زبونم مدح او را چون کنم
 مهدی صاحب زمان آن مظهر عدل خدا
 کی توانم وصف ذات مظهر بی چون کنم
 شد دلم خون از غم هجران و صبرم شد تمام
 خون دل باید ز راه دیدگان بیرون کنم
 شد رخم زرد از فراق روی آن سلطان دین
 روی خود باید ز آب چشم خود گلگون کنم

عمر از کف رفت و ساز و برگی اندر کف نماند

من به این بی برگ و سازی در قیامت چون کنم

سوخت طومار عمل را آتش عصیان من

این زمان باید زمین را زاشک خود جیحون کنم

ای «تقی» بس کن که گر اینسان نمائی شرح غم

بگذرم از اهل عالم روی در هامون کنم

«غزل پنجم»

گرم نصیب شود یک نظر به روی حبیب
 نثار او بنمایم روان به رگم رقیب
 به پای خود اگرم بوسه‌ای روا دارد
 نهم به تارک شاهان قدم ز حشمت و زیب
 غم فراق و دل پر ز خون و اشک بصر
 مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب
 دلا به محنت و غم صبر کن که بوده و هست
 به هر نشیب فرازی و هر فراز نشیب
 جهان به مهدی موعود گلستان گردد
 در آن زمان که نماید ظهور با فرو زیب
 «تقی» ترا به دل ار مهر او نهان باشد
 مدار رنجه دل خود ز هول روز حسیب

«غزل ششم»

مرا به جز ره عشق تو نیست هیچ طریق
 اگر به وصل جمالت رسم زهی توفیق
 من خراب کجا و وصال یار کجا
 چسان رسد پر کاهی به قعر بحر عمیق
 مرا ز عشق مترسان که فاش می گویم
 که نیست مقصد پروانه هیچ غیر حریق
 به جز حدیث محبت هر آنچه گفته شود
 تمام ضایع و باطل بود علی التّحقیق
 نگار ما چو گشاید دهان به وقت سخن
 برد ز خاطر ما یاد سلسبیل و رحیق
 خرد بکنه کمالش کجا رسد هیئات
 که غرقه اند در این لجه فکرهای دقیق
 تقی به گوشه عزلت نشین و دم درکش
 که یافت می نشود یک نفر رفیق شفیق

در مدح امام زمان علیه السلام

هو العلم الهادی بإشراق نوره

و ان غاب عن عینی کوقت ظهوره

الم تر ان الشمس ينشر ضوءها

اذا هی نحت القزع حين عبور^(۱)

قصیده‌ای در شوق وصال و مدح خیرالآمال

تولّی شبابی فی الفراق فأسرعاً

و آذن عمری بالرحیل فودّعا

حيث بشوق انوصل دهرأ و لم اكن

بشيء سوى تذكاره متمتعاً

قداشتد شوقی فیک یاغایة المنی

ویا خیر من صلی و یا خیر من دعا

و یا خیر مقصود و یا خیر موئل

و یا خیر من لّبی و یا خیر من سعی

و قد طال صبری فی النوی إذ ترکتنی

أغثنی فقلبی کاد ان يتصدّعا

نظرتُ بأبواب الملوك فلم أجد

سوى بابك العالی ملاذاً و مفزعاً

و اذا نزل المعروف و العدل و السنخا

فما اختار الآ في فنائك موضعاً

أغثنى بفيض من فداك فإنه

لقد صار منه البرّ و البحر مترعاً

فلولاك ساخ الأرض بالخلق كلهم

وصاربطون الأرض للناس مضجعاً

ولولاك اندكّ الجبال جميعها

ولولاك أركان السماء تززعزا

و ما نبتت في الأرض لولاك حبة

ولا شجر لولا وجودك أينما

ولا اشرفت شمس و لانيّر بدا

ولانبعت عين و لا البرق أمصعا^(١)

وصيّرنا الاعداء لولاك طعمة

وكان علينا الذلّ ثوباً ملفعاً^(٢)

١-صعب البرق: اومض: لمع خفيفاً و ظهر. ٢-التفّع بالثوب: اشتمل به حتى يجعل جسده.

وما فاز ناج بالنجاة بغيركم

/ و من أمها ^(۱) من غيركم كان ألكما ^(۲)

حبيبي حبيبي طال همي و كرتي

أغثنى سريعاً قبل ان أتضتعا

تعاليت عن مدحي و مدح الخلائق

و ما قيل في عليا ك قد كنت ارفعا ^(۳)

در مدح امام زمان عليه السلام و درد فراق

قدهاج حزني و قلبي صار منكمداً

لهجر من حسنه للعالمين بدا

خيرالورني نسباً شمس الهدى حسباً

وافضل الخلق أعواناً و محتشداً

قد حار ذواللب في ادراك رتبته

والعقل في نعته أعياناً و انخدداً

بيمنه تجد الاجبال ثابتة

لولاكرامته أفييتها بدداً

۱- قصدها. ۲- لوم و حمق فهو الكع.

۳- به نقل از مكياال المكارم: ج ۱/۳۶۹ و ۳۷۰.

من نوره الشمس و الأقمار نيرة

من فضله قدربا ما كان منهمداً

لم يرزق الناس لولا فيض نائله

و ما بقوا ساعة في دهرهم ابداً

شمائل المصطفى كانت شمائله

و محكم الذكر اوصافه وردا

تكامل العلم و الاخلاق اكملها

في ذاته القدس طراً حين إذ ولدا

باهي به الله سكان السماء و قد

ضجوا الى الله اذ قتل الحسين بدا

أن اسكتوا أنتقم حتماً بقائمهم

من كل من حارب المظلوم أو طردا^(١)

اظهار شوق به لقاء حضرت مهدي عليه السلام

قلبي اليك من الأشواق محترق و دمع عيني من الأماق مندفق

الشوق يحرقني و الدمع يغرقني فهل رأيت غريقاً و هو محترق^(٢)

تکلم حضرت مهدی علیه السلام با خورشید و ماه

و انما الوارد فی نصّ الخبر
و منها يستمع الإجابة
اذ فضل یوشع بجانب الحجة
فيا لهذا العزّ و الكمال
و يا لهذا الفضل و الكرامة
و يا لهذا الشأن و الفخامة^(۱)

بانه يدعو لشمس و قمر
وليس فی ذلك من غرابة
كإبرة انغمست فی لجة
و يا لهذا المجد و الجلال
و يا لهذا الشأن و الفخامة^(۱)

سوز هجر و دعا برای فرج امام زمان علیه السلام

بنفسی من من هجره أناضائل
بنفسی اماماً قائماً غاب شخصه
بنفسی من یحیی شریعة جدّه
و یجتث أصل الظالمین و فرعهم
فیاربّ عجل فی ظهور امامنا
و هذا دعاء للبریة شامل^(۲)

و من للواء الفتح و النصر حامل
و لیس له فی العالمین مماثل
و یقضى بحکم لم یرمه الأوائل
و یحیی به رسم العلی و الفضائل
و هذا دعاء للبریة شامل^(۲)

«اللهم عجل لولیک الفرج»

موسى بن جعفر الطوسي
مؤلف
المنهاج في الحساب
مجلد اول
الطبعة الاولى
الطبعة الثانية

نمای سنگ آراستگاه عالم معدانی ، مرحوم

آیت الله العظمیٰ میرزا محمد تقی میرزا محمد علی
مؤلف
صاحب کتاب و کمال المصنف

نور الابصار

فی فضیلة الانتظار

مرحوم آية الله حاج ميرزا محمد تقى موسى اصفهانی

عن الصادق عليه السلام:

طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره فى غيبته والمطيعين له
فى ظهوره اولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

خوشا بحال شيعيان قائم ما که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان
غائب بودن او و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او، ایشانند اولياء
خدا که ترس و حُزنى نيست بر آنها در روز جزاء. ^(۱)

۱- کمال الدين: ۲/۳۵۷ ح ۵۲، عنه البحار: ۱۴۹/۵۲ ح ۷۶.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ هُوَ حَسْبِی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُنِیْمِ الْمَنَّانِ الَّذِیْ جَعَلَ اِنْتِظَارَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ اَفْضَلَ عِبَادَاتِ اَهْلِ الْاِیْمَانِ وَالصَّلٰوةِ عَلٰی نَبِیِّهِ وَ صَفِیِّهِ مُحَمَّدٍ الَّذِیْ نَزَّلَ عَلَیْهِ الْقُرْآنَ وَ عَلٰی اٰلِهِ الْمَعْصُوْمِیْنَ اٰمِنًا الرَّحْمٰنِ وَ حُجَّجِ اللّٰهِ عَلٰی الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ لَعْنَةِ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَهْلِ الْكُفْرِ وَ الطُّغْیَانِ.

اما بعد: بنده شرمنده جانی محمدتقی ابن عبدالرزاق الموسوی الاصفهانی عنی الله عنهما بعرض برادران ایمانی می رساند که چون از افضل عبادات در این اعصار انتظار فرج و ظهور خاتم ائمه اطهار المذخر لاخذ الثار و الانتقام من الاشرار و الکفار اعنی الامام الغائب عن الابصار القائم المنتظر المهدي الحجة بن الحسن العسكري عليه السلام است لهذا محض خدمت به آن بزرگوار و به جهة دلالت بسوی این امر جلیل جمع نمودم در این مختصر بعضی از آنچه وارد شده است در اخبار مرویة از ائمه اطهار در فضیلت این انتظار، امید آنکه در روز شمار در زمرة انصار آن امام ابرار بشمار آیم و نامیدم آن را بکتاب نور الابصار فی فضیلة الانتظار و مشتمل نمودم آنرا بر یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه.

مقدمه

اما مقدمه: بدانکه مؤمن باید قصدش در انتظار فرمان برداری خداوند عالمیان و محبت برسول او و ائمه اطهار عليهم السلام باشد تا به ثوابهای کامله انتظار فائز و رستگار گردد انشاءالله تعالی.

مقصد اول

در بیان جمله‌ای از اخبار وارده در ثواب و فضیلت انتظار بنحو اختصار. در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هرکس از شما بمیرد با ایمان در حالتیکه منتظر باشد مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام در خدمت آنجناب باشد. (۱)

و در حدیث دیگر از پدران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرموده که فرمودند: هرکس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند کسی است که در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد. (۲)

و در حدیث دیگر فرمود (یعنی حضرت صادق علیه السلام فرمود) خوشا بحال شیعیان قائم ما که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان غائب بودن او و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او، ایشانند اولیاء خدا که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء. (۳)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که: افضل عبادتها انتظار فرج داشتن است. (۴)

و در بحار از عبدالحمید واسطی منقول است که گفت بحضرت امام محمد

۱- کمال الدین: ۶۴۴/۲ ح ۱، عنه البحار: ۱۲۵/۵۲ ح ۱۵.

۲- کمال الدین: ۶۴۵/۲ ح ۶، عنه البحار: ۱۲۳/۵۲ ح ۷.

۳- کمال الدین: ۳۵۷/۲ ح ۵۴، عنه البحار: ۱۴۹/۵۲ ح ۷۶.

۴- بحار: ۳۱۸/۵۰ ضمن ح ۱۲، قال صلی الله علیه و آله و سلم: افضل اعمال امتی انتظارالفرج.

باقر (علیه السلام) گفتیم که ما دست از بازارها و کسبهای خود برداشته‌ایم بجهت انتظار این امر بنحویکه بعضی از ما نزدیک است سائل بگف شود، فرمود: ای عبدالحمید آیا گمان می‌کنی کسی که در راه خدا چنین کند خداوند فرج و گشایش باو ندهد؟ بلی والله گشایش باو می‌دهد، خدا رحمت کند بنده‌ای را که خودش را برای یاری ما نگاه می‌دارد، خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیاء می‌کند. گفتیم اگر بحال انتظار بمیرم پیش از ظهور قائم شما چه ثواب دارم فرمود: هرکس از شماها که در حال انتظار حضرت قائم از دنیا برود و عزم یاری کردن او را داشته باشد در زمان ظهورش، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده باشد و شهید شده باشد.^(۱)

و از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) منقولست که فرمود: انتظار فرج داشتن از افضل اعمال است.^(۲)

و در احتجاج از آن حضرت روایت است که به ابی‌خالد کابلی فرمودند که طولانی می‌شود زمان غائب بودن ولیّ خدا که دوازدهمی از اوصیاء حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه بعد از آن جناب است. ای اباخالد بدرستی که آن مؤمنانی که در زمان غائب بودن او می‌باشند و اعتقاد و یقین به امامت او دارند و انتظار ظهور او را می‌کشند بهتراند از اهل هر زمانی زیرا که

۱- بحار: ۱۲۶/۵۲۰... فقال (علیه السلام): القائل منکم ان ادركت القائم من آل محمد نصرته كالمقارع معه سيفه والشهيد

معه له شهادتان. یعنی کسی که در دلش باشد که اگر امام زمان (علیه السلام) را درک نمودم او را یاری می‌کنم مانند کسی است که در رکاب او شمشیر زده و کسی که با او شهید شود اجر دو شهید دارد.

۲- کمال الدین: ۲/۲۲۰ ح ۲.

خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و هوشی به آنها عطا فرموده که غائب بودن امامشان با حضور او نزد آنها یکسان است^(۱) و قرار داده آنها را در آن زمان به منزله کسانی که جهاد نمودند در خدمت حضرت رسول ﷺ با کفار به شمشیر، ایشانند مؤمنین خالص و شیعیان ما بحقیقت و راستی و دعوت کنندگان بسوی دین خدای عزوجل به آشکار و نهانی.^(۲)

و در خبر دیگر است که فرمود: هر مؤمنی که ثابت بماند بر ولایت ما در زمان غائب بودن قائم ما، عطا می فرماید حقتعالی باو ثواب هزار شهید را که مثل شهدای بدر و احد باشند.^(۳)

مؤلف گوید: که چون باقی بودن بر حال انتظار لازمه نبوت و ولایت و علامت آن است می توان این ثواب را برای آن اثبات نمود.

و در کمال الدین از صقر بن ابی دلف روایت است که گفت شنیدم از حضرت امام محمد تقی ﷺ که فرمود: امام بعد از من پسر من علی است امر او امر من است و گفتار او گفتار من است و اطاعت او اطاعت من و امام بعد از او پسر او حسن است، امر او امر پدرش علی است و قول او قول پدر

۱- زیرا جانی را خالی از نور ولایت نمی بینند:

بدریا بنگرم دریا ته وینم

بصحرا بنگرم صحرا ته وینم

نشان روی زیبای تو وینم

بهرجا بنگرم کوه و در و دشت

۲- الاحتجاج: ۴۸/۲، حنه البحار: ۳۶/۳۸۷ ح ۱ و ۱۲۲/۵۲ ح ۴.

۳- کمال الدین: ۳۲۳/۱ ح ۷. قال علی بن الحسین ﷺ: من ثبت علی مولانا فی خیه خاتبا اعطاء الله عزوجل

أجر الف شهید من شهداء بدر و احد.

اوست و طاعت او طاعت پدر او، آنگاه ساکت شدند گفتم یا بن رسول الله پس کیست امام بعد از امام حسن عسکری؟ حضرت گریه شدیدی نمودند آنگاه فرمودند: بدرستی که امام بعد از امام حسن عسکری پسر اوست که قائم بحق و منتظر است. گفتم یا بن رسول الله چرا او را قائم می نامند؟ فرمودند: برای آنکه قیام می فرما

ید بعد از اینکه نام او از میان رفته باشد و بیشتر فائلین به امامت او از دین برگردند یعنی بجهت طول غیبت او. گفتم چرا او را منتظر نامند؟ فرمود: بجهت آنکه از برای او غائب شدنی اتفاق می افتد که بسیار می شود روزگاران و طول می کشد زمان آن پس مؤمنین خالص بانتظار او باقی می مانند و شک کنندگان او را انکار می کنند و انکار کنندگان بذکر او استهزاء می نمایند و کسانی که وقت برای ظهورش معین می کنند دروغ گو می باشند و کسانی که عجله می کنند هلاک می شوند یعنی از دین برمی گردند و کسانی که فرمان بردار ائمه خود هستند یعنی چون و چرا نمی کنند بدستور العـمل امامان دین رفتار می کنند نجات می یابند. (۱)

مؤلف گوید: که مراد از عجله ای را که باعث هلاکت می شود در مقدمه کتاب کنزالغنائم بیان نموده ام. (۲)

و از حضرت امیر (علیه السلام) مروی است که فرمودند: منتظر فرج باشید و از

رحمت خداوند ناامید نباشید بدرستی که پسندیده‌ترین اعمال بسوی
حقتعالی انتظار فرج است.^(۱)

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد
در حالتی که انتظار ظهور امام زمان را داشته باشد مانند کسی است که با
حضرت قائم در خیمه آنحضرت باشد، آنگاه اندکی ساکت شد بعد
فرمود بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند، بعد فرمودند والله
بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.^(۲)

حقیر گوید: در این حدیث سه درجه از ثواب را تدریجاً ذکر فرموده‌اند که از
برای منتظرین ظهور حضرت قائم هست.

و در بحار از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حدیثی روایت شده که
خلاصه‌اش اینست که حقتعالی به کسانی که در زمان غائب بودن امام، انتظار
ظهور او را دارند و دین خود را محکم نگاه می‌دارند عطاء می‌فرماید آن
ثوابهای واقعی کامل را که به ازای عمل نمودن بر طبق احکام واقعی و
عبادات صحیحه قرار داده اگرچه آنها به سبب غائب بودن آن حضرت
دسترسی به فهمیدن حکمهای واقعی و عبادات حقیقی نداشته باشند
یعنی به ازای اجر و ثواب اعمال و عبادات کامله حقیقیه را مرحمت
می‌فرماید بواسطه فضیلت انتظار داشتن از برای ظهور امام علیه السلام و اخذ

۱- الخصال: ۶۱۶/۲، عنه البحار: ۱۲۳/۵۲ ح ۷.

۲- المحاسن: ۱۷۳/۱ ح ۱۵۱، عنه البحار: ۱۲۶/۵۲ ح ۱۸.

واقعیات احکام.

و در نجم الثاقب از غیبت شیخ طوسی (ره) از منضّل روایت است که گفت ذکر نمودیم قائم علیه السلام را و کسی که مُرد از اصحاب ما که انتظار او را می کشید پس حضرت صادق علیه السلام فرمود به ما که: چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند کسی بر سر قبر مؤمن می آید پس به او می گوید که ای فلان به درستی که ظاهر شد صاحب تو پس اگر می خواهی که ملحق شوی به او پس ملحق شو و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود پس اقامت داشته باش. (۱)

مؤلف گوید: از این حدیث ظاهر می شود که این مطلب که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار باشد یکی از جمله فوائد انتظار است چنانچه این فائده در دعای برای آن حضرت نیز وارد شده. (۲)

و از ابی حمزه روایت است که گفت به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم پیر و بی قوه شده ام و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم فرمودند: ای ابا حمزه هر کسی که ایمان بیاورد به ما و تصدیق کند حدیث ما را و منتظر زمان فرج ما باشد مثل کسی می ماند که در زیر علم حضرت قائم علیه السلام شهید شده باشد. بلکه ثواب

۱- نجم الثاقب/ ۵۰۵، غیبة الطوسی/ ۲۵۹، حنه البحار: ۹۱/۵۳ ح ۹۸.

۲- ظاهراً اشاره است به این قسمت از دعای عهد: اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِي حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي...الدعاء.

کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول ﷺ شهید شده باشد. (۱)
و در حدیث دیگر از آن حضرت مروی است که فرمود: هر کس از شماها
بمیرد در حالتی که انتظار فرج را داشته باشد افضل است نزد حق تعالی از
بسیاری از شهیدان بدر و احد. (۲)

و در برهان از مسعده روایت شده که گفت در محضر مبارک
حضرت صادق ﷺ بودم که پیرمرد منحنی وارد شد در حالتیکه بعضای
خود تکیه نموده بود، سلام کرد و حضرت جواب سلامش را دادند. آنگاه
عرض کرد یا بن رسول الله ﷺ دست خود را بدهید من ببوسم
حضرت دست خود را دادند او بوسید آنگاه شروع کرد بگریه کردن.
حضرت فرمودند: ای شیخ چرا گریه می کنی؟ عرض کرد فدایت شوم بقدر
صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته، هر ماهی نو می شود
می گویم در این ماه ظاهر می شود و هر سالی تازه می شود می گویم در این
سال واقع می شود اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده و هنوز بمُراد
دل خود نرسیده ام و ظهور فرج شما را ندیده ام.

لمؤلفه

گذشت عمر من اندر فراق یار دریغ

زهجر غرقه خون شد دل فکار دریغ

۱- تأویل الآیات: ۶۶۵/۲، حنه البرهان: ۲۹۱/۵ و البحار: ۱۴۱/۶۸.

۲- الکافی: ۳۳۲/۱ ح ۲.

شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار

گذشت عمر و بمردم در انتظار دریغ

پس چرا گریه نکنم و حال آنکه بعضی شما را پراکنده در اطراف زمین و بعضی را کشته بظلم اعدای دین می بینم. پس حضرت صادق علیه السلام گریان شدند و فرمودند: که ای شیخ! اگر زنده ماندی تا زمانی که بینی قائم ما را می باشی در مقام رفیع بسیار عالی و اگر پیش از ظهور حضرت او در انتظارش مردی، پس در روز قیامت در زمره آل محمد صلوات الله علیهم محشور خواهی شد و آنها مائیم که امر بتمسک بما نموده در آنجا که فرمود:

«إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي.»

یعنی بدرستی که من دو چیز بزرگ عالی مقام در میان شما می گذارم پس متوسل به آنها شوید تا هیچ وقت گمراه نگردید: یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت من که اهل بیت منند.

آن پیرمرد چون این بشارت عظمی را شنید جزع و گریه اش ساکن گردید و گفت مرا با وجود این بشارت باکی از مرگ نیست. آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ای شیخ بدان که قائم ما بیرون می آید از صلب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بیرون می آید از صلب امام محمد تقی علیه السلام و محمد بیرون می آید از صلب حضرت علی بن موسی علیه السلام و علی بیرون می آید از صلب حضرت موسی علیه السلام که پسر

من است و او از صلب من خارج گردیده ماها دوازده نفریم که تمام ما معصوم و پاکیزه از هر گناه و کثافتی می باشیم.^(۱)

تنبیه: اختلافی که در ثواب انتظار در بعض اخبار مشاهده می شود باعتبار اختلاف منتظرین است در درجات معرفت و تقوی و انتظار البته هرکس اکمل است ثوابش هم اکمل است.

۱- کفایة الاثر: ۲۶۳، حنه الیرمان: ۲۲۶/۳ ح ۱ و البحار: ۴۰۸/۳۶.

مقصد دوم

در بیان واجب بودن انتظار ظهور حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه) و شرط بودن او در قبول اعمال.

در اصول کافی از اسماعیل جعفی روایت است که گفت شخصی وارد شد بر حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) و با او صحیفه‌ای بود، حضرت به او فرمودند این صحیفه مخاصم است که سؤال نمود از آن دینی که بواسطه آن اعمال انسان بدرجه قبول می‌رسد. عرض کرد بلی خدا شما را رحمت کند مراد من همین است حضرت فرمود آن دینی که به سبب آن اعمال قبول می‌شود این است:

شرط قبولی اعمال

شهادت به یگانگی خدا و اینکه شریک ندارد و شهادت به رسالت خاتم انبیاء محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اقرار بحقیقت تمام آنچه خبر داده از جانب حضرت حق تعالی و دوستی با ما اهل بیت و بیزاری از دشمنان ما و فرمان بردار بودن از برای امر ما و پرهیزکاری از گناهان و تواضع و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما بدرستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آنرا ظاهر می‌گرداند. ^(۱)

و در غیبت شیخ نعمانی از ابی بصیر روایت است که روزی حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: می‌خواهید شماها را خبر بدهم به آن

۱- الکافی: ۲۲/۲ ح ۱۳، منه البحار: ۲/۶۹ ح ۲.

چیزی که حقتعالی با نبودن آن هیچ عملی را از بندگان قبول نمی فرماید؟ گفتم بلی فرمود آن شهادت به یگانگی خدا است و آنکه حضرت محمد ﷺ بنده او و پیغمبر اوست و اقرار به آنچه خدا امر فرموده به آن و دوستی از برای ما و بیزاری از دشمنان ما یعنی دشمنان ائمه و فرمان بردار بودن از برای ائمه اطهار ﷺ و پرهیزکاری از گناهان و کوشش نمودن در اطاعت خدا یعنی در ادای واجبات شرعی و یقین داشتن یعنی در امر اصول دین و حقیقت امر ائمه طاهرین و انتظار داشتن از برای ظهور حضرت قائم ﷺ آنگاه فرمودند: که از برای ما دولتی هست که ظاهر می گرداند آنرا حقتعالی هر وقت که بخواهد. (۱)

و در کمال الدین از حضرت عبدالعظیم روایت است که فرمود: وارد شدم به محضر سید خود حضرت امام محمد تقی ﷺ و قصد داشتم که سؤال نمایم از آن جناب از قائم که همان است مهدی یا غیر اوست پس حضرت پیش از سؤال کردن من به اعجاز فرمودند ای ابالقاسم! بدرستی که قائم از ما همان مهدی است که واجب است انتظار او را داشتن در زمان غائب بودن او و واجب است اطاعت و پیروی او در زمان ظهور او و سومی از اولاد من است. (۲)

و بسند صحیح از حضرت صادق ﷺ روایت فرموده (شیخ صدوق در کمال الدین) که فرمود: نزدیکترین حالات بندگان خدا بخدا که در آن

۱- غیبة النعمانی: ۲۰۰ ح ۱۶، منه البحار: ۱۴۰/۵۲ ح ۵۰.

۲- کمال الدین: ۳۷۷/۲ ح ۱، منه البحار: ۱۵۶/۵۱ ح ۱.

حال از آنها خوشنودتر از هر زمانی است آن وقتی است که امام آنها غائب و از نظر آنها پنهان می باشد و مکان او را نمی دانند و با وجود این، یقین دارند که حجّت الهیّه موجود است پس در آن زمان باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند. (۱)

مؤلف گوید: هر صبح و شام کنایه است از استمرار و دوام یعنی در هیچ حالی و در هیچ وقتی و در هیچ ماه و سالی نباید مأیوس از ظهور امام (علیه السلام) باشند بلکه هرچه غیبت آن حضرت طولانی تر می شود باید امیدشان بنزدیکی زمان ظهور او بیشتر گردد و یقین ایشان به وجود مبارک او محکم تر و ثابت تر بشود. زیرا که خود این طول غیبت از امور غیبیّه ایست که ائمه ما (علیهم السلام) پیش از وقوع آن خبر داده اند.

لمؤلفه

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند

آن دگر امید مرا بیشتر کند

نوعی اثر نموده به قلبم جدائیت

کاندر رگی ضعیف اثر نیشتر کند

مقصد سوم

در بیان معنی انتظار و مقدار واجب از آن به نحو اختصار

بدانکه اصل انتظار امری است قلبی که ظاهر و منبعث می شود از آن امور بدنیّه بسیار که متفاوت است بحسب تفاوت درجات انتظار.

انتظار واجب قلبی

اما قدر واجب از انتظار قلبی از برای ظهور آن بزرگوار بر حسب آنچه ظاهر می شود از اخبار این است که مؤمن باید یقین داشته باشد اینکه حضرت قائم علیه السلام که امام دوازدهم است و فرزند صُلبی بلاواسطه حضرت امام حسن عسکری است از روزیکه متولد شده تاکنون زنده است و بهمین بدن عنصری باقی است و در همین عالم است و نمرده است و نخواهد مرد تا اینکه ظاهر شود به همین بدن و در همین عالم سلطنت کند و عالم را پر از عدل نماید و دین اسلام را در تمام عالم رواج دهد و ظهور او وقت معینی ندارد که خلایق بدانند بلکه احتمال دارد در همین سال واقع شود و احتمال دارد سالهای بسیار دیگر تأخیر بیفتد.

و باید مؤمن در هیچ حالی از حالها و هیچ سالی از سالها ناامید نباشد از وقوع ظهور آنجناب بلکه باید همیشه اوقات و تمامی سنوات امیدوار به ظهور موفورالسرور آن بزرگوار باشد.

پس اینکه بعضی از نادانها به حسب خیالات و حدسیات می گویند حالاها امام ظاهر نمی شود یا تا صد سال دیگر هم مثلاً ظاهر نمی شود خطاء و

اشتباه است و خلاف دستورالعمل منتول از ائمه اطهار است بلکه در اخبار متعدده تصریح فرموده‌اند که ظهور آن حضرت بغتةً^(۱) واقع می‌شود و علامات حتمیه ظهور مثل خروج سفیانی و صیحة آسمانی و قتل نفس زکیه، همه در یکسال نزدیک بهم واقع می‌شود چنانچه مشروحاً در مکیال المکارم ذکر نموده‌ام با شواهد دیگر.^(۲) پس ممکن است که در همین سال ظهور واقع شود و ممکن است که سالهای بسیار دیگر هم تأخیر بیفتد و مؤمن نباید هیچ وقت ناامید باشد.

و همچنین جزم و حکم به این که تا فلان وقت یا فلان سال ظهور واقع می‌شود آنهم خطاء و اشتباه است بلکه در روایات متعدده معتبره امر فرموده‌اند که هر کس تعیین وقت نماید از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام او را تکذیب نمائید زیرا که علم به آن مخصوص خداوند عالمیان جل شأنه است.^(۳)

۱- بغتةً ناگهانی.

۲- مکیال المکارم: ج ۱۸۵/۲ و ۱۸۶ و ۱۸۷، بین قائم آل محمد علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه پانزده شب بیشتر فاصله نمی‌شود چنانچه روایتش را در ص ۱۸۷ از این کتاب بیان داشته است و نیز وقتی سفیانی ظاهر می‌شود مهدی علیه السلام مخفی می‌شود سپس خروج می‌کند چنانچه در ص ۱۸۶ از این کتاب آمده است و اما صیحة آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان که مطابق با شب جمعه است می‌باشد که در روز جمعه آن حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کنند، چنانچه در ج ۲۱۵/۲ آمده است.

۳- الاحتجاج: ۲۸۱/۲، عنه البحار: ۱۱/۵۲ ضمن توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب از طرف حضرت بقیة الله علیه السلام وارد شده آمده است: و اما ظهور فرج، پس علم آن نزد خداوند عزوجل است و کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغگو هستند... الخبر و در روایت دیگری از فضیل آمده است که از امام باقر علیه السلام سؤال نمودم که آیا برای این امر وقتی هست؟ حضرت در جواب من سه مرتبه فرمودند: دروغ می‌گویند کسانی که وقت تعیین می‌کنند (غیبة الطوسی: ۳۲۵).

انتظار واجب بدنی

و اما قدر واجب از انتظار بدنی که منبعث از آن انتظار قلبی می شود این است که مؤمن از معاصی و گناهان اجتناب نماید و صفات بد را از خود دور نماید و خود را به صفات خوب متّصف کند تا اینکه اگر درک نمود زمان ظهور آن حضرت را مورد مرحمت و احسان آن جناب باشد و آن حضرت از او خوشنود باشند نه دل از رده، چنانچه در روایت ابی بصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس دوست می دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید انتظار ظهور آن حضرت را داشته باشد و عمل او بر طبق وَرَع و پرهیزکاری باشد و خود را به صفات خوب و اخلاق حمیده متّصف نماید در حالتی که منتظر ظهور آن حضرت است پس چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام بعد از او واقع شود ثواب کسی را دارد که درک فیض حضور آنجناب را نموده باشد و از یاران و اصحاب او باشد پس سعی کنید در پرهیزکاری و طاعت، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید.^(۱)

و در توقیع مروی از آنجناب در بحار و احتجاج می فرماید: که باید هر یک از شماها کاری بکند و نوعی رفتار نماید که به محبت ما نزدیک شود و احتراز کند و پرهیز نماید از عملی که او را به غضب ما نزدیک می کند الخ^(۲).

۲- الاحتجاج: ۴۹۵/۲، عنه البحار: ۱۷۵/۵۳.

۱- فیه النعمانی: ۲۰۰ ح ۱۶، عنه البحار: ۱۴۰/۵۲ ح ۵۰.

انتظار قلبی کامل

و اما انتظار قلبی کامل پس به این حاصل می شود که شخص مؤمن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکانها از یاد امامش و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می شود و با اهل عالم گفتگو می کند قلبش پیش امام علیه السلام باشد و به انتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد مثل شخصی که اولادش منحصر باشد به یک نفر و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد. تصور کن آیا یک ساعت از خیال او بیرون می رود یا آنکه از جستجوی او تغافل می کند؟! حاشا و کلاً بلکه شب و روز بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکونات، محبوب او پیش نظر او مُثَل است چنانچه شاعر گفته:

ای غائب از دو دیده چنان در دل منی

کز لب گشودنت به من آواز می رسد

علامت کمال ایمان

و چون مؤمن محبتش به امام زمان علیه السلام به این درجه رسید ایمانش کامل می شود چنانچه در حدیث نبوی در دارالسلام و غیره مروی است که فرمودند: مؤمن ایمانش کامل نمی شود مگر وقتی که من در نزد او از خودش عزیزتر باشم و اولاد من در نزد او از اولاد خودش عزیزتر باشند و اهل من نزد او عزیزتر از اهل خودش باشند و امور متعلقه به من نزد او

اهمّ از امور متعلّقه بخود او باشد. (۱)

و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید آثار ظاهریه او هم به درجه کمال می رسد.

۱- امانی الصدوق: ۴۱۴ ح ۹، عنه البحار: ۷۵/۲۷ ح ۴.

خاتمه

در بیان علامات و آثار درجه کامله انتظار بنحو اختصار

و آن دوازده چیز است:

اول: آنکه شخص منتظر دائماً محزون و غمگین است در زمان فراق محبوب خود، چنانچه از حضرت رضا علیه السلام در وصف حال مؤمنین در زمان غایب بودن امام زمان روایت شده^(۱) و علاوه بر این، جهات دیگر هم از برای مغموم بودن مؤمن در زمان غیبت موجود است مثل ضعف اهل اسلام و غلبه معاندین و مخفی بودن احکام واقعیه و خارج بودن سلطنت ظاهریه از دست امام زمان و غیر اینها که تمامش انشاءالله رفع می شود بظهور آن حضرت (عجل الله فرجه).

دوم: گریان بودن در انتظار آن حضرت چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده.^(۲)

۱- کمال الدین: ۳۷۱/۲: عیون اخبار الرضا: ۶/۲ و منها البحار ۱۵۲/۵۱ عن مولانا ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: کم من حرّی مؤمنه و کم من مؤمن متأسف حیران حزین عند فقدان الماء المعین الخیر: یعنی چه بسیار زن مؤمنه عطشان (لقاء آن حضرت) و چه بسیار مرد مؤمن (که در فراق او) متأسف و حیران و اندوهگین (است) هنگامی که غائب می شود آن آب جاری (که مراد از آب جاری امام زمان علیه السلام می باشد).

۲- مرحوم مؤلف در کتاب مکیال المکارم ج ۲/۲۰۱ به بعد تحت عنوان «و اما ما یدلّ علی فضل البکاء فی قراة»، پنج حدیث از امام صادق علیه السلام بیان نموده است که در ۴ حدیث عبارت «تدمعنّ علیہ عیون المؤمنین» (بر او گریه می کنند چشمهای مؤمنین) آمده و در یک حدیث امام صادق علیه السلام در فراق امام زمان علیه السلام شدیداً گریه می کنند (به آن کتاب شریف رجوع شود).

سوم: همیشه به یاد آن حضرت بودن و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن.

چهارم: از اهل دنیا کناره کردن و ترک معاشرت مگر بقدر حاجت و ضرورت.

پنجم: در غالب اوقات و مظان اجابت^(۱) به آنجناب دعا کردن و طلب فرج و ظهورش را از حق تعالی نمودن.

ششم: مؤمنین را ترغیب و تحریص نمودن به این دعا و التماس آنرا از ایشان نمودن بلکه شخص منتظر حقیقی بهر وسیله‌ای که احتمال بدهد نزدیک شدن وصال محبوب خود را، البته در تحصیل آن سعی و اقدام می‌نماید.

هفتم: آنکه هرچه غایب بودن او طولانی‌تر می‌شود شوق شخص منتظر شدیدتر و زیادتر می‌شود.

هشتم: آنکه در انتظار محبوب خود صبر بر شدت‌ها و سختیها نماید و آنها را در جنب این امر بزرگ سهل و سبک شمارد.

در خرایج از حضرت رسول ﷺ روایت است که به اصحاب خود فرمود: می‌آیند گروهی بعد از شما که هر یک نفر از آنها ثوابش معادل ثواب پنجاه نفر از شما است گفتند یا رسول الله ﷺ ما با شما بودیم

۱- مانند مجالس امام حسین ﷺ، مرحوم مؤلف در کتاب مکیال المکارم: ۵۷/۲ می‌فرماید: یکی از صلحاء از دوستان برایم نقل نمود که در خواب خدمت حضرت ولی عصر ﷺ مشرف شد امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) به ایشان فرمودند: هرکس بعد از ذکر مصیبت جدّم سیدالشهداء ﷺ برای فرجم دعا کند، من نیز برای او دعا می‌نمایم.

در جنگ بدر و احد و قرآن در تعریف ما نازل شد فرمودند که شما به مشقتهایی که آنها مبتلا می‌شوند مبتلی نشدید و باندازه‌ای که آنها صبر می‌کنند صبر ننمودید.^(۱)

مؤلف گوید: که از برای مؤمن هیچ ابتلاء و شدنی عظیم‌تر از مفارقت و غایب بودن امام او نیست و از همین جهت است افضلیت مؤمنین این زمان از مؤمنین زمانهای قبل.

نهم: آنکه همینکه شخص منتظر بحد کمال رسید شدائد و سختی‌هایی که در انتظار بر او وارد می‌شود از آنها لذت می‌برد و به سبب آن شوقی که بلقائے محبوب دارد احساس به آن‌ها نمی‌کند.

لذت دیوانگی در سنگ طفلان خوردن است

حیف از آن اوقات مجنون را که در هامون گذشت

دهم: آنکه چون انتظار و مقام محبت شدید شد خواب و خوراک شخص، کم می‌شود بلکه کار به جائی می‌رسد که التفات به هیچ چیز از امور راجعه بخود نمی‌کند و از خود بی‌خود می‌شود چنانچه این حال از برای ائمه (علیهم‌السلام) در حال نماز اتفاق می‌افتاد.

یازدهم: آنکه چون انتظار کامل شد شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی‌برد بلکه لذت او منحصر است فقط در ذکر محبوب و معشوقی که دارد

۱- الخرائج: ۱۴۹/۳، غیبة الطوسی: ۴۵۶، عنه البحار: ۱۳۰/۵۲... انکم لن تحملوا ما حملوا ولن تصبروا صبرهم.

شیخ سعدی

گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی

چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

و بسط کلام در هر یک از این مقامات منافی با اختصار است.^(۱)

دوازدهم: از علامات انتظار مهیا بودن از برای ورود محبوب است. و مهیا بودن از

برای ظهور حضرت صاحب الامر (علیه السلام) به چند چیز حاصل می شود:

اول: عزم حقیقی بر یاری و متابعت آنجناب.

دوم: اینکه شخص خود را به صفات نیکو متصف نماید و صفات ذمیمه که

مبغوض اوست از خود دور نماید.

بیت

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

سوم: مواظبت در طاعات و عبادات واجبه و مستحبه و ترک محرمات و

مکروهات شرعیه.

۱- مرحوم مؤلف توضیح بیشتری را در کتاب شریف مکبال المکارم ج ۱۷/۲ (فی المقام الثالث فی معنی الانتظار

المأموریه) با ذکر مثالی بیان داشته است و فرموده: الا ترى انه اذا كان لك مسافر توقع قدومه ازداد تهیؤک لقدومه

كلما قرب حینه یل ربما تبدل رقادک بالسهاد لشدة الانتظار... الخ یعنی آیا نمی بینی زمانی که مسافری در راه داری و

منتظر آمدنش می باشی، هرچه زمان رسیدنش نزدیکتر می شود آمادگی تو برای ورودش بیشتر خواهد شد و چه بسا

خواب تو تبدیل به بیداری شود بخاطر شدت انتظار....

چهارم: مهیا نمودن اسلحه.

پنجم: رابطه بنحویکه در کتاب وظیفه الانام ذکر نموده‌ام.

ششم: مواظبت در خواندن دعای عهدنامه کوچک و بزرگ که در وظیفه الانام نقل نموده‌ام و در کتاب زادالمعاد^(۱) هم مذکور است.

تمام شد کتاب نورالابصار فی فضیلة الانتظار.

۱- در کتاب شریف مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه این دو دعای شریف آورده شده است.

ای چاره درد خستگان، ادرکنی
 ای مونس و یاری کیسان ادرکنی

من بی گنم و خسته و مهجور و ضعیف
 یا حضرت صاحب الزمان ادرکنی

از مؤلف

کنز الغنائم

فی فوائد الدعاء للقاء ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾

مرحوم آية الله حاج میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی

قال بقية الله الاعظم (عليه السلام):

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ

فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ^(۱)

یعنی بسیار دعا کنید و از حق تعالی سؤال نمائید تعجیل در فرج مرا
زیرا که این فرج و گشایش کار شماها است.

- البحار: ۹۲/۵۲، الاحتجاج: ۴۶۹/۲، غیبة الطوسی / ۲۹۰، کمال الدین: ۴۸۳/۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ حَسْبِي

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ سَادَاتِ الْوَرَى
و لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْجَزَا.

اما بعد: بنده شرمنده جانی محمد تنّی ابن عبدالرزاق الموسوی الاصفهانی
(عنی الله تعالی عنهما) بعرض برادران ایمانی می رساند که چون از جمله
مهمّات، خاصّه در این اوقات، اهتمام نمودن در دعاگوئی بوجود مبارک
اعلی حضرت اشرف ارفع امجد اقدس خاتم الوصیین و مجمع کمالات
الائمة الراشیدین مولانا حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن
موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم
الصلوة و السلام) و مسئلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آن جناب است از
حضرت واجب الوجود جلّ شأنه. و این مطلبی است که ائمه اطهار (علیهم السلام)
اهتمام تمام در آن داشته اند و بسیاری از دعاهای آنها مشتمل است بر
دعای بوجود مبارک آنحضرت و طلب فرج آنجناب را از حق تعالی نمودن، و
بسیاری از ادعیه آنها مخصوصاً برای آن بزرگوار بوده و علمای امامیه (ره)
در کتب قدیمه و حدیثه خود روایت فرموده اند و حقیر بعض آنها را در
ابواب الجنات و مکیال المکارم روایت کرده ام.^(۱)

۱- رجوع شود به مکیال المکارم جلد دوم، باب هفتم، مقصد سوم.

و از برای این امر فوائد و خِصَص کثیره دنیویّه و اخرویّه از آیات و روایات مستفاد می شود و آنچه این اقل عباد جمع نموده ام زیاده بر صد فائده است که کتاب مکیال السکارم را بجهت آن وضع و تألیف نموده ام و چون آن کتاب عربی است و عوام را از آن بهره نیست لهذا عازم شدم بر آنکه مختصراً اکثر آن فوائد را به لغت فارسی جمع نسایم محض خدمت گذاری به آن بزرگوار و به برادران ایمانی که از این فوائد محروم نمانند و نامیدم این مختصر را به کتاب کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم و مشتمل است بر یک مقدمه و هشت مطلب و یک خاتمه.

اما مقدمه

در بیان امری چند که لازم است تنبیه بر آن

مطلب اول: در بیان اینکه افضل اعمال ادای حق مؤمن است و اشاره به آنکه حقوق آن جناب زیادتر و عظیم تر است از حق هر مؤمنی بر ما.

مطلب دوم: در اینکه یکی از اقسام ادای حق آن حضرت، دعاء کردن به آنجناب و مسئلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت است از حقتعالی و دعای به آنجناب منافاتی ندارد با رفعت شأن آنجناب و احتیاج ما در اصلاح امور خود به آن بزرگوار.

مطلب سوم: در بیان اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام در دعای در حق آنجناب و طلب کردن فرج و ظهور او را از حضرت ربّ الارباب.

مطلب چهارم: در بیان سیر زیادتی اهتمام ایشان به این مطلب و آنکه هر قدر

محبت شخص به آنجناب بیشتر است اهتمامش در دعای به آن حضرت بیشتر است.

مطلب پنجم: در بیان جمله‌ای از فواید و منافع دنیوی که حاصل می‌شود برای مؤمن به برکت دعای به آن جناب و طلب فرج و ظهور آن حضرت را از حق تعالی نمودن.

مطلب ششم: در بیان جمله‌ای از فواید و منافع اخروی که این عمل شریف.

مطلب هفتم: در بیان اوقاتی که اهتمام به این امر بیش از وقت‌های دیگر است.

مطلب هشتم: در نقل بعضی از دعاها و مرویه از ائمه معصومین علیهم‌السلام از برای حضرت صاحب الزمان (روحی و ارواح العالمین فداه).

تعجیل مذموم در امر ظهور

بدان که در جمله‌ای از اخبار مرویه از ائمه اطهار نهی شده است از تعجیل نمودن در امر ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام و فرموده‌اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاک شخص می‌شود.^(۱)

مراد از هلاک، کفر و خروج از ایمان است که سبب هلاکت می‌شود و این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدده که امر فرموده‌اند به طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان جل شأنه.

و بیان مختصر نزدیک به فهم عوام در تحقیق این مقام این است که عجله‌ای که مذمت آن در اخبار وارد شده و موجب هلاک انسان و ضرر و خسران او می‌شود در امر ظهور آن حضرت، بر سه قسم است:

اول: عجله‌ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود یعنی به جهت کم طاقتی و کم صبوری تعجیل کند و بگوید اگر شدنی بود تا حال باید شده باشد و این حرف، آخر کار نعوذ بالله راجع می‌شود به انکار ظهور قائم منتظر علیه السلام.

دوم: عجله‌ای که منافی با تسلیم و رضای به امر خداوند جل شأنه باشد که بگوید چرا ظاهر نمی‌شود و برای کی گذاشته، و برگشت این به اعتراض بر خداوند عزوجل است و چنین کسی تابع شیطان است که ایراد به خدا گرفت بلکه باید شخص دعا بکند و اگر هم حتمتعالی تأخیر در اجابت فرمود

۱- ای المرهف از امام صادق علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند: محاضیر هلاک می‌شوند گفتم مراد از

محاضیر چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که عجله می‌کنند و مقرین نجات پیدا می‌کنند، مکیال المکارم ج ۲/ ۱۸۴.

آنرا مطابق حکمت بدانند.

سوم: عجله کردن که سبب متابعت و پیروی نمودن مدعیان کذب و داعیان باطل شود، چون تعجیل دارد و کم طاقت است پیش از ظاهر شدن علامتهای حتمیه و آثار مرویه از ائمه به مدعیان باطل اعتماد می‌کند و به محض خیال و شبهه و تأویل، ارادت به شیطانهای بصورت انسان پیدا می‌کند به امید آنکه موعود منتظر باشد چنانچه بسیاری مردم به این سبب هلاک شدند (یعنی از دین برگشتند) با وجود آنکه از برای امام ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ علامتهای مخصوصه قطعیه هست مطابق عقل و نقل که تا آنها در اویافت نشود نباید اعتماد نمود.^(۱)

بعض علامات امام ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾

یکی آنکه: باید هیچ وقت از او معصیتی صادر نشده باشد.

دیگر آنکه: بشخصیه و نسبه معروف باشد.

دیگر آنکه: عالم به جمیع احکام الهیه و جمیع لغات باشد و در هیچ مسئله عاجز نشود و محتاج به پرسیدن از غیر و دیدن در کتاب نباشد.

دیگر آنکه: معجزه از او صادر شود یعنی کاری که از هیچکس مثل آن صادر نشود مثل تکلم کردن درختها و حیوانات با او، زنده شدن مرده به دعای او و نسوزانیدن آتش بدن او را و امثال اینها که مکرر از ائمه اطهار صادر می‌شد

۱- مرحوم مؤلف در کتاب شریف مکیال ج ۲/۲۲۸ به بعد، اقسام حجة مذمومه را به چهارده قسم رسانیده است،

برای اطلاع بیشتر به این کتاب مراجعه شود.

و اگر چنین نباشد با دیگران فرقی ندارد.

و در غیبت نعمانی (نام مبارکش محمد بن ابراهیم شاگرد شیخ کلینی ره بوده بسیار جلیل القدر و کتاب او در نهایت اعتبار است و این حدیث را کلینی در اصول کافی نیز به اندک تفاوتی روایت فرموده) از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند: هرگاه کسی ادعای قائم بودن کرد از او بطلبید امور عظیمه‌ای را که غیر امام کسی از عهده آنها بر نمی‌آید.

و دیگر آنکه: مبین احکام دین خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم باشد نه آنکه چیزی از پیش خود جعل و اختراع نماید و غیر اینها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد. و از برای وجود مبارک امام زمان ما (عجل الله تعالی فرجه) و ظهور او بخصوص علامتها و خصوصیت‌های چندی تعیین شده که برای هیچ کس پنهان نماند و اسباب شبهه نشود و جمیع عالمیان با اختلاف زبانها بر آن مطلع شوند.^(۱)

و این عاصی بعضی از آنها را در کتاب وظیفه الانام ضبط نموده‌ام و علمای سابقین مانند شیخ نعمانی و صدوق و مجلسی و غیر اینها (رحمهم الله تعالی) در کتابهای خود جمع فرموده‌اند.

یک حرف بس است

در خانه اگر کس است

۱- مکیال المکارم: ۲/۲۱۴، عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: برای ظهور قائم علیه السلام پنج

علامت هست: ۱. سفیانی ۲. یمانی ۳. صیحه از آسمان ۴. کشته شدن نفس زکیه ۵. فرورفتن سفیانی و بارانش در

صحرای یداء.

ادای حق مؤمن افضل اعمال است

مطلب اول: بدانکه در کتاب اصول کافی بسند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: عبادت کرده نشده است خداوند عالم جلّ شأنه به چیزیکه افضل باشد از اداء نمودن حق مؤمن. ^(۱)

و در احتجاج از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده که فرمود: هرکس معرفتش بحقوق اخوان مؤمنین بیشتر است و ادای حقوق اینها را نیکوتر می‌کند شأن او نزد حق تعالی عظیم تر است. ^(۲)

چون دانستی این مطلب را پس بدان که در جمیع اهل عالم هیچکس حقوقش بر تو بیشتر نیست از امام زمان تو (علیه السلام) که به مقتضای احادیث کثیره قطعیه، هستی تو و بقای تو و سکون و آرام تو در این عالم و تمام نعمت‌هاییکه به تو می‌رسد و روزئی که می‌خوری و آبی که می‌آشامی به برکت وجود مبارک اوست و آنچه هست از منافع ذات مقدّس اوست مانند آفتاب، وقتیکه زیر ابر پنهان باشد هرچند دیده نمی‌شود لکن تمام عالم از نور او روشن است و فوائد او به همه چیز می‌رسد. ^(۳)

۱- الکافی: ۱۷۰/۲، وسائل الشیعة: ۲۰۳/۱۲، بحار: ۲۲۲/۷۱.

۲- تفسیر الامام العسکری (علیه السلام): ۴۴۳، عنه البحار: ۵۷/۸ ح ۷۳.

۳- اشاره است به کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب جابر بن عبدالله که سؤال نمود آیا شیعیان در زمان غیبتش از آن امام غائب متفع می‌شوند حضرت فرمودند: ای والدی یعنی بالنبوة انهم لیستفعمون به و یستضیئون بنور ولایتی فی غیبتهم کانتفاع الناس بالشمس و ان جلتها السحاب، [آری قسم به آن خدائی که مرا مبعوث به تبت کرد شیعیانش در زمان غیبتش از او نفع می‌برند و از نور ولایتش بهره‌مند می‌گردند مانند بهره‌مندی مردم از خورشید اگرچه ابر آنرا

پوشاند] البحار: ۲۵۰/۳۶.

اگر نبود ز یمن وجود اقدس او

بیا نبود نه ارض و سما نه ماه و نه سال

✽

هُوَ الْعَلَمُ الْهَادِي بِاشْرَاقِ نَوْرِهِ وَإِنْ غَابَ عَن عَيْنِي كَوَقْتِ ظُهُورِهِ

الم تر ان الشمس ينشر ضوءها اذا هي تحت القزَع^(۱) حين عبوره

و این عاصی جمله‌ای از حقوق آنجناب را به دلیل و برهان در باب سوم مکیان المکارم ذکر نموده‌ام و اعظم تمام حقوق، حق امام علیه السلام بر رعیت است. چنانچه در روضه کافی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که فرمودند: بزرگترین حقهائی که حق تعالی واجب فرموده است حق والی است یعنی امام بر رعیت.^(۲)

و چون این مطلب واضح شد بدانکه ما هر قدر سعی کنیم نمی توانیم حق آن حضرت را چنانچه باید و شاید اداء کنیم پس باید از آنچه می توانیم کوتاهی نمائیم زیرا که در روز قیامت به مقتضای آیات و روایات این مطلب از جمله اموری است که از هرکسی پرسش و مؤاخذه خواهد شد چنانچه در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^(۳) و غیرها روایت شده.^(۴)

۱- القزَع: قِطْع من السحاب صغار متفرقة. ۲- الکافی: ۳۵۸/۸ ح ۵۵۰.

۳- التکائر ۸/ سپس حتماً حتماً در چنین روزی (روز قیامت) از نعمت الهی سؤال خواهی شد.

۴- وسائل الشیعه: ۲۹۸/۲۴، بحار: ۲۷۲/۷، امالی طوسی/ ۲۷۲، تأویل الآیات/ ۸۱۵، البرهان: ۵۰۳/۴ ح ۹... ولیکن

النعم حبا اهل البيت و مولاتنا، [ولیکن مراد از نعم در این آیه محبت ما اهل‌البيت و ولایت ما است].

طریق ادای حقوق امام زمان علیه السلام

و طریق اداء نمودن حق آن حضرت، اهتمام در اطاعت و فرمان برداری اوست بعد از معرفت به او (صلوات الله علیه) زیرا که او صاحب امر است بر ما و حق تعالی فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (۱)

یعنی ای مؤمنها فرمان برداری نمائید خدا را و فرمان برداری نمائید پیغمبر او را و فرمان برداری نمائید صاحب آن امر از خود را که مقصود وجود مبارک امام زمان علیه السلام و یازده نفر آباء طاهرین اویند (۲) و از جمله فرمانهای مطاعه او که در توفیق شریف مروی در کمال الدین و احتجاج و بحار ذکر شده این است: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ» (۳) یعنی بسیار دعا کنید و از حق تعالی سؤال نمائید تعجیل در فرج مرا زیرا که این فرج و گشایش کار شماها است.

پس باید هر مؤمنی کمال اهتمام در انجام این فرمایش مطاع داشته باشد خصوصاً به ملاحظه آنکه جمیع جهاتی که مقتضی دعاء نمودن در حق کسی می شود در وجود اقدس آن حضرت جمع است چنانچه این احقر آنها را مفصلاً به ترتیب حروف اب ت تا آخر در باب چهارم مکیال المکارم جمع نموده ام.

۱-نساء/۵۹ ۲-الکافی: ۱/۲۷۶، وسائل الشیعة: ۲۷/۷۶، بحار: ۲۳/۲۹۸.

۳-البحار: ۵۲/۹۲، الاحتجاج: ۲/۳۶۹، فیه الطوسی: ۲۹۰/۱، کمال الدین: ۲/۳۸۳.

دعای به امام زمان (عجل الله فرجه) از اقسام ادای حق آنجناب است.

مطلب دوم: چون دانستی که یکی از اقسام ادای حق آنجناب دعای به آن حضرت و سؤال نمودن تعجیل در فرج و ظهور اوست از حقتعالی شأنه بدانکه منافاتی نیست در این مطلب با آنکه ماها در جمیع امور احتیاج به آنجناب داریم و آن بزرگوار واسطه در تمام فیوضاتست و بزرگتر شاهد بر این مدعی امر فرمودن خود آن حضرتست ما را به این دعاء، یعنی منافات نبودن مابین این دو مطلب و تشریح مطلب را به چند وجه می توان نمود.

اول: آنکه با وجود آنکه حضرت ایشان کامل در تمام صفات و وسیله جمیع فیوضات هستند لکن به مقتضای بشریت بعضی امور که لازمه بشریت است از قبیل همّ و غم و محنت و الم و ابتلاء و مرض بر ایشان عارض می شود و حقتعالی برای دفع این امور اسبابی قرار داده که یکی از آنها دعاء است.

ولهذا خود ایشان دعاء می کردند بلکه دیگران را امر به دعای در حق ایشان می فرمودند پس ما هم به مقتضای محبت آنجناب باید دعای به آن وجود مبارک را از اهمّ امور لازمه خود قرار دهیم و این اصلاً منافاتی با رفعت مقام آنها نداشته و ندارد.

دوم: آنکه به مقتضای حدیث مروی در کتاب غیبت شیخ نعمانی (ره) از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و توفیق مروی در احتجاج یک سبب غایب شدن

امام زمان ما علیه السلام کثرت معصیتهای ما است^(۱) پس چون مانع ظهور آنجناب از جانب ماها است ماها باید اقدام در رفع مانع بکنیم به توبه کردن و اهتمام در دعاء و طلب ظهور و فرج برای آنجناب نمودن.

سوم: آنکه دعاء به منزله هدیه است و هدیه بردن برای کسی دلیل حاجت آن شخص بزرگ نیست بلکه علامت احتیاج آن هدیه برنده و محبت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد.

و تفصیل این امور را با بعض و جزوه دیگر در باب پنجم مکیال المکارم ذکر نموده‌ام.

۱- بحار: ۱۷۶/۵۳: الاحتجاج: ۴۹۸/۲، الخرائج: ۹۰۲/۲... فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لانتؤثره منهم... الخبر: یعنی چیزی ما را در پرده و حجاب از ایشان قرار نداده، مگر آنچه از ایشان به ما می رسد از آن چیزهایی که کراهت داریم و از ایشان نمی پسندیم.

اهتمام ائمه علیهم السلام در دعا به امام دوازدهم علیه السلام

مطلب سوم: پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم السلام داشته باشد، اینکه چه قدر اهتمام در امر دعاء نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آنجناب را از خداوند عالمیان جلّ شأنه داشته و دارند.

و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدّعی آگاه شوی ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در غیبت نعمانی.

و دعای حضرت سیدالساجدین علیه السلام را در روز عرفه در صحیفه سجادیه^(۱) و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در جمال الاسبوع^(۲).

و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر مروی در فلاح السائل و بحار^(۳) و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در اقبال^(۴) و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر مروی در فلاح السائل^(۵) و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را

۱- الصحیفة السجادیة الجامعة: ۳۲۳ ضمن دعای صد و چهل و هفتم.

۲- جمال الاسبوع: ۲۷۷، عنه البحار: ۹۱/۹ ضمن ح ۴، صد مرتبه بعد از نماز عصر بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

۳- فلاح السائل: ۳۰۹، ح ۲۰۹ عنه البحار: ۶۲/۸۶ ح ۱ و المستدرک: ۹۳/۵.

۴- الاقبال: ۳۶۶/۱.

۵- فلاح السائل: ۳۵۳ ح ۶، عنه البحار: ۸۰/۸۶ ح ۸.

مروى در جمال الاسبوع^(۱) و دعای امام محمد تقی عليه السلام را مروى در کافی و دعای امام حسن عسکری عليه السلام مروى در مهج الدعوات و دعای مروى از خود آن جناب مروى در کمال الدین^(۲) و قنوت نماز ظهر مروى در جمال الاسبوع^(۳) و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب مروى در مصباح المتہجد و مفتاح الفلاح^(۴) و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدہ^(۵) و دعای صبحهای روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه و دعای افتتاح و غیر اینها که ذکرش موجب طول است.

بلکه از عبارت دعای روز عرفه و روایت مرویہ در جمال الاسبوع در باب قنوت روز جمعه و بعض ادلہ دیگر ظاهر می شود که مؤمن هر دعائیکه می نماید باید ابتداء کند به دعای از برای حضرت صاحب الزمان (عجل اللہ تعالی فرجه و ظهوره) و چون در این رساله بنا بر اختصار است بهمین مقدار اقتصار می نمایم.^(۶)

۱- جمال الاسبوع: ۲۵۶. ۲- کمال الدین، ۲۲۸/۲ ضمن ح ۲.

۳- جمال الاسبوع: ۲۵۶، مصباح المتہجد: ۳۲۶. ۴- مصباح المتہجد: ۱۳۹.

۵- الاقبال: ۲۹/۲، مصباح المتہجد: ۶۷۰، زاد المعاد: ۲۳۶ (این روز، روز دحو الارض می باشد).

۶- لازم به ذکر است که اکثر این ادعیه را مؤلف در کتاب مکیال المکارم باب ششم بیان نموده اند. برای اطلاع بیشتر به این کتاب شریف مراجعه شود.

حدیث شریف

و شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی (ره) بسندش از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که در روزهای جمعه گذاشته می شود از برای حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین (صلی الله علیهم اجمعین) در نزد عرش حجتعالی منبرهایی از نور، پس بر آن منبرها بالا می روند و جمع می شوند نزد آنها ملائکه و ارواح پیغمبران و مؤمنان و گشوده می شود درهای آسمان، پس چون وقت ظهر می شود آن حضرت دعاء می کنند که خدایا نزدیک گردان آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده ای «وَعَدَاللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^(۱) تا آخر آیه یعنی وعده داده است خدای تعالی به کسانی که ایمان آورده اند و عمل نیکو می کنند، اینکه آنها را جانشینان نماید در زمین و این وعده ظهور و استیلای امام زمان علیه السلام و رجعت حقه و دولت منتظره ائمه اطهار است در آخرالزمان پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعاء می کنند. آنگاه حضرت رسول و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سجده می نمایند و می گویند خدایا غضب نمای بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند و بنده های پسندیده تو را کشتند و بندگان نیکوکار تو را خوار کردند. پس تقدیر می فرماید خدا آنچه را می خواهد و این در روزی است که معلوم است نزد خداوند جلّ شأنه.^(۲)

حقیر گوید: مراد زمان ظهور و استیلاي حضرت صاحب الامر علیه السلام است. چنانچه در روایات دیگر تصریح شده.

و اگر کسی توهم کند که البته دعاهای آن بزرگواران مستجاب است پس چرا این قدر ظهور آنجناب عقب افتاده؟! می‌گوئیم ماها آگاه نیستیم به وقت ظهور آن حضرت که چه زمان است پس چه استبعاد دارد که حق تعالی شأنه مقدر فرموده باشد ظهور آنجناب را در زمان بسیار دوری اگر حضرت پیغمبر و ائمه و ملائکه و انبیاء و مؤمنین دعاء نکنند به جهت تعجیل در ظهور آن حضرت، و در زمانی نزدیکتر مقدر فرموده ظهور این امر را اگر اهتمام در این دعاء بنمایند لکن هنوز آنزمان نزدیکتر نرسیده است.

و جوابهای دیگر هم از این توهم داده‌ام، در مکیال المکارم مذکور است.

و در روایتی وارد است که از زمانیکه حق تعالی مستجاب فرمود: دعای موسی و هارون را تا زمانی که بر فرعونیان غلبه کردند چهل سال طول کشید. ^(۱) پس مؤمن باید صبر نماید و از دعاء کردن خسته نشود.

در بیان سرّ اهتمام ائمه (علیهم السلام) در دعای به جهت

ظهور آن حضرت (علیه السلام)

مطلب چهارم: در بیان سرّ زیادتی اهتمام ائمه طاهرین (علیهم السلام) در دعای به حضرت صاحب الزمان و طلب فرج و ظهور آنجناب را از خداوند عالمیان و در این مختصر به یک وجه اکتفا می‌نمایم.

بدانکه دعا کردن به کسی، فرع محبت به آن کس است و اعظم اسباب محبت و دوستی آن است که شخص وجود کسی را خیر بداند که بودن خیر در وجود هرکسی مقتضی و موجب محبت اوست.

پس هر قدر معرفت شخص انسانی به وجود خیر در وجود کسی کاملتر شد محبتش به او کاملتر می‌شود و هر قدر محبتش کاملتر شد تعلقش به او و اهتمامش در دعای به وجود او کاملتر و زیاده‌تر می‌شود.

و واضح است که حقیقت معرفت و شناسائی بوجود مبارک حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) و خیرات وجود اقدس او بنحوی که کامل برای هیچکس ممکن و میسر نیست مگر حضرت رسول الله و ائمه طاهرین (صلی الله علیه و علیهم). زیرا که آنها از شجره طیبه واحده می‌باشند و کسی دیگر از مخلوقات نمی‌تواند احاطه به شئون آنها نماید. لهذا محبت آنها هم به آنجناب اکمل و اعظم محبتهاست و همین کافی است از برای شدت اهتمامشان بدعای بوجود مبارک او و طلب فتح و نصرت و فرج از برای او.

حدیث شریف در فضیلت خدمت گذاری به امام عصر

عجل الله تعالی فرجه

و از این بیان ظاهر شد نکته فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام در حدیثی که شیخ نعمانی (ره) در کتاب غیبت روایت کرده که فرمود:

اگر من درک می نمودم زمان حضرت قائم علیه‌السلام را تا زنده بودم خدمت او را می نمودم. ^(۱)

و همچنین مؤمنین هرکدام که معرفتشان به آن حضرت و خیرات وجود مبارک او کاملتر است محبتشان هم کاملتر است و هرچه محبتشان هم کاملتر باشد اهتمامشان در دعاگوئی به آن حضرت کاملتر و زیاده‌تر است.

لمؤلفه

یا رب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب

تو برون آور و ما را بلباقیش برسان

آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بردار

و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان

دشمنانش همه تنها ز روان خالی ساز

دوستانش همه را بوسه بپایش برسان

منافع دنیویہ دعای در حق امام زمان ﴿علیہ السلام﴾

مطلب پنجم: در بیان فوائد و منافع دنیویہ کہ حاصل می شود به دعا نمودن از برای آن حضرت و طلب فرج و ظهور او ﴿علیہ السلام﴾ و در اینجا به ذکر ده فائده اکتفاء می کنم.

فائده اول: آنکہ موجب طول عمر می شود زیرا کہ دعای به آن حضرت صلہ رحم پیغمبر ﴿صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم﴾ است و در تفسیر امام حسن عسکری ﴿علیہ السلام﴾ ذکر فرموده کہ: صلہ رحم پیغمبر افضل و واجب تر است از صلہ رحم ﴿صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم﴾ خود شخص^(۱) و بنابراین فوائدی کہ مترتب می شود بر صلہ رحم خود شخص بطریق اولی و نحو اکمل مترتب می شود بصلہ نمودن رحم پیغمبر ﴿صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم﴾. و از جمله آنها است طول عمر. در کافی از حضرت امام محمد باقر ﴿علیہ السلام﴾ مروی است کہ فرمود: صلہ رحم کردن اعمال را پاکیزه می کند و بلاء را دفع می کند و باعث آسانی حساب قیامت می شود و عمر را دراز می کند.^(۲)

و به این تقریب می توان گفت کہ هر نوع خدمتی به امام زمان ﴿علیہ السلام﴾ بکند باعث رسیدن به این فوائد هست و بخصوص در ثواب دعای دوم کہ مذکور می شود روایت شده کہ موجب طول عمر می شود، (در بحار و غیره از حضرت صادق ﴿علیہ السلام﴾ روایت شده است).

۱- تفسیر الامام العسکری ﴿علیہ السلام﴾: ۳۳۲، عن البحار: ۲۳/۲۶۲ ح ۸

۲- الکافی: ۱۵۰/۲ ح ۴، عن البحار: ۱۱/۷۲ ح ۷۱.

فائده دوم: دفع بلاها و وسعت روزی است. در اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق ﴿علیہ السلام﴾ روایت است که فرمود: دعا نمودن شخص از برای برادر دینی خود در غیاب او روزی را زیاد می‌کند و دفع می‌کند مکروه را.^(۱)

حقیر گوید: مسلم است که هرچند آن مؤمن افضل باشد حصول این فائده به دعای در غیاب او اکمل خواهد بود پس دعای از برای حضرت صاحب الزمان ﴿علیہ السلام﴾ که اصل ایمان و معدن ایمان است در زمان غائب بودن آنجناب بیش از دعای برای هر مؤمنی سبب رسیدن به این فائده عظیمه خواهد بود.

فائده سوم: آنکه مواظبت نمودن مؤمن به دعای به جهت آنجناب سبب مستجاب شدن سایر دعاهائی است که مؤمن در حق خودش یا دیگران می‌کند و ده وجه برای این مطلب در کتاب مکیال المکارم ذکر نموده‌ام.

پس مؤمن سزاوار است که در همه دعاهایش ابتدا کند به دعای برای آن حضرت (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَظَهْرَهُ).

فائده چهارم: شرفیاب شدن به ملاقات آنجناب در بیداری یا خواب چنانچه در خصوص دعای دوم و بعض دعاهای دیگر روایت شده است.

و در بحار و غیره از حضرت صادق ﴿علیہ السلام﴾ روایت شده که: هرکس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

نمیرد تا بفیض ملاقات حضرت قائم (عجل الله فرجه) مشرف شود. (۱)

ظاهر این است که مقصود مداومت بر این عمل است که مشتمل است بر دعاء و صلوات بر محمد و آل محمد و مسئلت تعجیل در فرج آنها که به ظهور حضرت قائم (عجل الله فرجه) حاصل می شود.

فائده پنجم: زیاد شدن نعمتهای الهیه، زیرا که شکر نعمت بنصر آیه قرآن سبب زیاد شدن آن می شود (۲) و چون وجود مبارک آن حضرت اعظم نعمتهای الهیه است و علاوه بر این واسطه در تمام نعمتهای ظاهریه و باطنیه است. چنانچه در اخبار متواتره ذکر شده و در بحار و غیره از حضرت امام زین العابدین (عجل الله فرجه) روایت شده که به ابی حمزه ثمالی فرمودند:

ای ابا حمزه مبادا در ساعت بین الطلوعین خواب باشی که در آن ساعت حق تعالی تقسیم می فرماید ارزاق بندگان را و بدست ما جاری می گرداند آن را. (۳)

پس شکرگذاری آن وجود مبارک لازم است و سبب زیادتی نعمت است و دعای به آن جناب نوعی از شکرگذاری ایشان است.

در کمال الدین و غیره از محمد بن زیاد ازدی روایت شده که گفت پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم (عجل الله فرجه) از تفسیر آیه شریفه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ»

۱- البحار: ۷۷/۸۶ ح ۱۱، المستدرک: ۹۶/۵ ح ۵

۲- و اذ تأذن ربکم لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان حدایی لشدید (ابراهیم: ۷).

۳- البصائر: ۳۲۳، عنده دارالسلام: ۴۲/۳ و البحار: ۲۲/۴۶.

ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»^(۱) فرمودند: نعمت ظاہرہ امام ظاہر است و نعمت باطنہ امام غائب است. گفتم آیا می باشد از امامان کسی کہ غائب شود فرمود بلی غائب می شود از چشمهای مردم شخص او، و غائب نمی شود از دلہای مؤمنین یاد او، او دوازدهمی ماہا است کہ آسان می کند حقتعالی برایش ہر مشکلی را و ہمدوار می کند برایش ہر ناہمواری را و ظاہر می فرماید برای او گنجہای زمین را و نزدیک می کند برای او ہر دوری را و فانی می کند باو ہر سرکشی کنندہ و ستمکاری را و ہلاک می کند بدست او ہر شیطان نابکاری را. آن پسر سیدہ کنیزکان است کہ مخفی می شود ہر مردم ولادت او و حلال نیست برای آن ہا تصریح نمودن بہ اسم او تا آن زمان کہ حقتعالی او را ظاہر گرداند پس پُر کند زمین را از عدل و داد ہم چنانکہ پُر شدہ باشد از ظلم و ستم.^(۲)

فائدہ ششم: آنکہ دعای برای آنجناب سبب یاری خدا و غلبہ شخص دعا کنندہ می شود بر اعداء. زیرا کہ دعای بہ آن حضرت یاری اوست و یاری او یاری خدا است و حقتعالی در قرآن مجید وعدہ فرمودہ است کہ یاری کند ہرکسی کہ یاری نماید او را در چند موضع.

یکی «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^(۳) یعنی همانا یاری می فرماید خدای تعالی البتہ البتہ ہرکسی را کہ، او یاری می کند حقتعالی را. و دیگر «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^(۴) اگر یاری کنید خدا را او ہم یاری می کند شما را.

۱- لقمان: ۲۰. ۲- کمال الدین: ۳۶۸/۲، عنہ البحار: ۵۳/۲۴ ح ۸ و ۱۵۰/۵۱ ح ۲. ۳- الحج: ۴۰.

۴- محمد: ۷.

فائده هفتم: برگشتن به دنیا در زمان ظهور آنجناب چنانچه در حدیقه الشیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است^(۱) و در فضیلت دعای عهدنامه بخصوص در کتب متعدده مانند بحار و غیره^(۲) روایت شده.

فائده هشتم: آنکه دعای به تعجیل فرج و ظهور آن حضرت باعث ثبوت ایمان و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان است. و دلیل براین مطلب حدیثی است که شیخ صدوق (ره) در کمال الدین روایت فرموده از احمد بن اسحاق قمی (ره) که گفت: وارد شدم بر امام حسن عسکری علیه السلام و می خواستم بپرسم از آن جناب از امام و خلف بعد از او، آنجناب پیش از سؤال من فرمود: ای احمد بن اسحاق بدرستی که خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون و خالی نمی گذارد تا قیامت از کسی که حجّت باشد بر خلق که به او دفع بلاء می کند از اهل زمین و به برکت او باران می بارد و برکات زمین را بیرون می آورد.

احمد گفت من گفتم یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما؟ حضرت به تعجیل داخل خانه شدند و بیرون آمدند در حالیکه بر دوش آن حضرت پسری بود به سنّ سه ساله که رویش مثل ماه شب چهارده بود پس فرمود ای احمد بن اسحاق اگر نبود به جهت کرامت تو نزد خدا و حجتهای او، من این پسر را به تو نشان نمی دادم اوست همانم و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله که زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

۱- حدیقه الشیعه: ۷۶۲.

۲- البحار: ۱۱۰/۱۰۲، المزار الکبیر: ۶۶۳ و ۶۶۲.

ای احمد بن اسحق مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است بخدا قسم البته غائب خواهد شد غائب شدنی که نجات نمی یابد از هلاکت در زمان غیبت او مگر کسی که خدا او را ثابت کند بر قول بامامت او و توفیق دهد باو که دعاء کند به تعجیل فرج و ظهور او.

احمد گفت گفتم ای مولای من علامتی به من بنما که دلم مطمئن شود ناگاه آن پسر بزبان عربی فصیح نطق کرد و فرمود: منم بقیة الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان خدا پس طلب نکن اثری بعد از این ای احمد بن اسحق.^(۱)

فائده نهم: دفع شدن بلاها و عقوبتها از کسانی که مستوجب آنند به برکت دعاکنندگان از برای ظهور امام زمان علیہ السلام. زیرا که در فائده سابقه دانستی که این امر شریف سبب ثبوت بر ایمان بلکه علامت آن و باعث نجات از فتن آخرالزمان است و از حصول این فائده حاصل می شود فائده دیگر که آن محفوظ بودن دیگران از بلاها و عقوبات ناگهانی است به برکت وجود دعاکنندگان برای این مطلب.

در فضیلت دوستان امام زمان علیه السلام

چنانچه در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: می آید بر مردم زمانی که غائب می شود امام آنها، خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما در آن زمان، بدرستیکه کمتر چیزی که از برای آنها از ثواب هست این است که حقتعالی آنها را ندا می فرماید که ای بندگان من ایمان آوردید بسر من و تصدیق نمودید حجة غائب مرا پس مژده باد شما را بنیکوئی ثواب از من. پس شما بندگان من و کنیزان من، برآستی از شماها قبول می فرمایم اعمال خوب را و از شماها عفو می کنم اعمال زشت شما را و شما را می آمرزم و به برکت شماها باران بر بندگانم می بارم و به برکت شماها دفع بلا از ایشان می کنم و اگر شماها نبودید همانا عذاب خود را برایشان نازل می فرمودم. (۱)

مداومت به دعای تعجیل ظهور موجب نزدیکی آن می شود

فائده دهم: آنکه امید هست به برکت دعا کردن و تضرع نمودن مؤمنین در سؤال تعجیل فرج و ظهور آن حضرت این امر عظیم زودتر واقع گردد. و شاهد بر این مطلب حدیثی است که در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حقتعالی وحی فرمود به حضرت ابراهیم علیه السلام که پسری به او عطا می فرماید چون خبر بساره داد گفت چگونه از من فرزند متولد می شود با وجود آنکه پیره زن شده ام و زمان آبستن شدنم گذشته است. پس

خدای عزوجلّ به ابراهیم وحی فرمود که به همین زودی فرزندی برای تو از ساره متولد خواهد شد و به کیفر این که وحی ما را از روی تعجب رد کرد فرزندان او چهار صد سال بدست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای بفرعونیان بودند پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها در میان فرعونیان، بزاری درآمدند و چهل روز گریه کردند و بسوی خدا توجه کردند و طلب فرج نمودند. حق تعالی به موسی و هارون وحی فرستاد که آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد فرمود با وجود آنکه هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود. آنگاه حضرت صادق علیہ السلام فرمودند شماها هم اگر این چنین رفتار می کردید یعنی اتفاق می نمودید در گریه و زاری کردن و طلب فرج ما را از خدا نمودن البته حق تعالی فرج ما را ظاهر می فرمود. اما چون شماها مانند آنها نمی کنید این امر به منتھائی که باید خواهد رسید.^(۱)

۱- تفسیر العیاشی: ۲/۳۱۵ ح ۴۹، عن البحار: ۵۲/۳۱ ح ۳۲، الزام الناصب: ۱/۴۷۰، دقت شود: قسمت آخر روایت اینگونه است:....هكذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنا فاما اذا لم تكونوا فان الامر ينتهي الي منتهاه: یعنی اگر مانند بنی اسرائیل دعا کردید خداوند برای ما فرج حاصل می کند و اما اگر دعا نمودید این امر به متھای خود می رسد (نه اینکه چون شماها دعا نمی کنید این امر به متھائی که باید خواهد رسید).

در بیان فواید اخرویّه این امر شریف

مطلب ششم: در بیان فوائد و منافع اخرویّه این امر شریف یعنی مداومت و اهتمام نمودن در بسیاری دعا بوجود مبارک آنجناب و سؤال نمودن تعجیل در ظهور و فرج او از حضرت ربّ الارباب و آنها زیاده بر صد فائده است که با دلیل و برهان مفصّلاً در کتاب مکیال المکارم^(۱) ذکر نموده‌ام.

و چون این رساله بنا بر اختصار است فقط همان فوائد را بطور فهرست و اجمال می‌شمارم تا خوانندگان را موجب ملال نشود و برای عوام همین مقدار کافی است.

اول: فائز شدن به شفاعت حضرت رسول ﷺ در قیامت.

دوم: شفاعت حضرت فاطمه ﷺ.

سوم: رسیدن به شفاعت حضرت صاحب الزمان ﷺ.

چهارم: آنکه دعای به آن حضرت اظهار محبت به آن جناب است و در کافی روایت شده از حضرت صادق ﷺ که فرمود: چون کسی را از اهل ایمان دوست داری اظهار کن محبت خودت را نسبت به، او زیرا که همین سبب زیادتی و ثبات محبت و دوستی می‌شود.^(۲)

پنجم: آنکه دعای به آنجناب و مسئلت ظهورش را از حق تعالی، علامت انتظار است و از برای انتظار ثوابهای بسیار است که در نورالابصار ذکر نموده‌ام.

ششم: آنکه حاصل می شود به آن احیاء امر امام و آن سبب سرور شخص می شود در قیامت.

هفتم: باعث دور شدن شیطان می شود از شخص دعا کننده.

هشتم: آنکه حاصل می شود به آن ادای بعض حقوق امام فی الجمله.

نهم: آنکه حاصل می شود به آن تعظیم از برای خداوند منان و آن اعظم عبادات بلکه روح آنها است. (۱)

دهم: آنکه دعا نوعی است از توسل به وسیله الهیه که امر فرموده به آن در آیه شریفه «یا ایُّها الذین امنوا اتَّقوا اللهَ وَ ابْتَغُوا الیهِ الوَسیلَةَ وَ جَاهِدُوا فی سَبیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» (۲) (یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید نگاه دارید خود را از عذاب خدا و طلب کنید وسیله رحمت او را) (۳) و کوشش نمائید در راه او تا رستگار شوید).

یازدهم: آنکه حاصل می شود به آن دعای مزد رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فی الجمله، زیرا که آن نوعی از موذت است بذوی القربی و حق تعالی آنرا مزد رسالت قرار داده در آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا

۱- اشاره است به آیه «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» [و هر کس تعظیم کند علامتهای خدا را پس بدوستی که تعظیم شعائر خدا نشانه تقوای قلوب است، و در روایات آمده است که:

نحن الشعائر (مرآة الانوار: ۱۹۸) [الحج: ۳۲. ۲- المائدة: ۳۵.

۳- ... و نحن الوسيلة الى الله و الوصلة الى رضوان الله: یعنی مائیم وسیله بسوی خدا و مایه رسیدن به رضوان

الهی، البحار: ۲۲/۲۵.

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(۱) (یعنی بگو طلب نمی‌کنم از شماها بر پیغمبری خودم مزدی را مگر آنکه دوستی و اظهار مودت کنید با قُربی و تفسیر شده قُربی به حضرت امیر و حضرت فاطمه و اولاد آنها)^(۲).

دوازدهم: باعث آمرزش گناهان می‌شود.

سیزدهم: آنکه داخل می‌شود مؤمن به سبب دعا نمودن از برای امام زمان در زمره اخوان خاتم پیغمبران ﷺ و این بالاترین مقامات است برای انسان.

چهاردهم: آنکه دعای به آن حضرت تأسی و اقتداء است به ائمه طاهرین ﷺ.

پانزدهم: آنکه نوعی است از وفای بعهدالله که امر فرموده به آن در قرآن مجید.^(۳)

شانزدهم: آنکه نوعی است از رعایت امانت الهیه که آن، وجود مبارک امام است.^(۴)

هفدهم: آنکه باعث زیادتى اشراق نور امام می‌شود در قلب او انشاءالله تعالی.

۱- شوری/۲۳. ۲- الکافی: ۴۱۳/۱، بحار: ۲۳۵/۹.

۳- وافوا بالعهد ان العهد كان مستولا (اسراء: ۳۳) [وفا کنید به آن عهد که از آن عهد سؤال می‌شوید] و در روایات فرموده‌اند: نحن عهد الله [ما هستیم عهد خدا] (الکافی: ۲۲۱/۱ ح ۳).

۴- تفسیر قرأت: ۱۳۷، از امام باقر (ع) است که فرمودند: نحن الامانة التي عرضت على السموات والارض والجبال: یعنی ما هستیم امانتی که خداوند بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کرده است.

هجدهم آنکه آن نوعی است از اعانت بر برّ و تقوی زیرا که تمام خیرات ظاهر می شود بظهور آنجناب علیه السلام. (۱)

نوزدهم: آنکه باعث هدایت یافتن به نور کتاب الله مجید می شود.

بیستم: قبول شدن اعمال صالحه ایشان به برکت دعای به حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

بیست و یکم: مترتب می شود بر این دعا ثواب طلب علم هرگاه مقصود انسان استفاضه (۲) به علوم ربّانیه امام زمان علیه السلام باشد.

بیست و دوم: آنکه ایمن می شود از عقوبتها و شدتهای روز قیامت انشاء الله تعالی.

بیست و سوم: آنکه حاصل می شود به آن اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم.

بیست و چهارم: آنکه سبب بودن داعی می شود با امیرالمؤمنین علیه السلام در درجه و مقام آن حضرت در روز قیام.

بیست و پنجم: آنکه محبوبترین خلق می شود نزد خداوند عالمیان جلّ شأنه.

بیست و ششم: آنکه عزیزترین مردم می شود نزد خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم.

بیست و هفتم: آنکه دعا کننده در امر فرج و ظهور آن حضرت اهل بهشت می شود انشاء الله تعالی.

۱- تعاونوا علی البرّ والتقوی [یکدیگر را بر کسب نیکی و دوری نمودن از گناه یاری دهید] (مائده: ۲).

۲- طلب فیض بردن.

بیست و هشتم: آنکه دعای حضرت رسول ﷺ شامل حال او می شود.
 بیست و نهم: آنکه خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید به جهت
 اهتمامش در دعای به امام زمان ﷺ.

سی ام: آنکه حاصل می شود به آن ثواب اعانت مظلوم.

سی و یکم: حاصل می شود به آن ثواب اجلال و احترام کبیر. ^(۱)

سی و دوم: حاصل می شود به آن ثواب طلب نمودن خون بناحق
 ریخته شده مظلوم کربلاء و سایر مظلومین. ^(۲)

سی و سوم: آنکه حاصل می شود به آن توانائی تحمل احادیث
 ائمه طاهرین ﷺ.

سی و چهارم: آنکه در قیامت نوری از اوساطع می شود که دیگران به آن
 منتفع می شوند.

سی و پنجم: آنکه شفاعت می کند از برای هفتاد هزار نفر از گناه کاران و
 قبول می شود.

سی و ششم: اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت.

۱- شخص مسن.

۲- زیرا گرفتن انتقام خون سیدالشهداء ﷺ فقط با آمدن امام زمان ﷺ حاصل می شود چنانچه در زیارت
 عاشوراء می خوانیم: وَ أَنْ يَرْزُقُنِي طَلِبَ تَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ... [یعنی: و روزی کند مرا طلب خون شما با امام
 مهدی...].

سی و هفتم: آنکه به مواظبت اهتمام در دعای تعجیل فرج و ظهور آنجناب علیه السلام، حاصل می شود ثواب بیست حج یا علاوه.

سی و هشتم: ثواب عمره دارد.

سی و نهم: آنکه ثواب اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام دارد.

چهلیم: ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام دارد.

چهل و یکم: آنکه افضل است از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا.

چهل و دوم: آنکه بهتر از دادن هزار اسب به جهاد کنندگان در راه خدا و مقتضای افضل بودن زیادتی ثواب آنست.

چهل و سوم: آنکه اهتمام در بسیاری دعای به تعجیل ظهور و فرج آن حضرت، افضل است از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه مشرفه.

چهل و چهارم: آنکه صد هزار حاجت او در روز قیامت روا می شود.

چهل و پنجم: محشور شدن در زمره حضرت رسول و ائمه طاهرین علیهم السلام.

چهل و ششم: بشارت در وقت مردن.

چهل و هفتم: آنکه ملائکه در حق او دعا می کنند.

چهل و هشتم: این دعا سبب جراحی قلب شیطان می شود.

چهل و نهم: در محشر از طعامهای بهشت بهره مند می شود و متنعم می گردد در حالیکه مردم مشغول به حساب هستند.

پنجاهم: از آفتاب قیامت محفوظ می ماند.

پنجاه و یکم: در عالم برزخ از عذابها و هولهای آن عالم ایمن است.

پنجاه و دوم: سبب سرور رسول خدا ﷺ می باشد.

پنجاه و سوم: در عالم قبر و برزخ رفیق و مصاحب نیکو پیدا می کند.

پنجاه و چهارم: حساب او در قیامت آسان می شود یعنی از سیئات او عفو می شود و دقت نمی شود.

پنجاه و پنجم: درهای بهشت برای او گشوده می شود.

پنجاه و ششم: آنکه دعای حضرت سیدالساجدین ﷺ شامل حال او می شود.

پنجاه و هفتم: آنکه به دعا نمودن در حق امام زمان حاصل می شود اعتصام به حبل الله که حقتعالی امر به آن فرموده در آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله»^(۱) (۲).

پنجاه و هشتم: حاصل می شود به آن توسل و تمسک به عترت طاهره خاتم پیغمبران ﷺ.

پنجاه و نهم: آنکه باعث رسیدن به مثل ثلث ثواب عبادت جمیع عابدان می شود.

شصتم: کامل شدن ایمان.

۱- آل عمران/۱۰۳. ۲- البحار: ۵۲/۲۴، قال جعفر بن محمد ﷺ: نحن الحبل: ما نيم أن ريسان الهی.

شصت و یکم: ثواب شهادت در حضور خاتم انبیاء ﷺ را دارد.

شصت و دوم: ثواب شهادت در حضور حضرت صاحب الزمان ﷺ را دارد.

شصت و سوم: ثواب احسان نمودن به امام را دارد.

فضیلت احترام عالم عامل

شصت و چهارم: ثواب اکرام عالم را دارد و اکرام و احترام نمودن برای عالم یعنی عالم عامل از جمله عبادات عظیمه است.

در بحار از حضرت صادق ﷺ روایت شده که فرمودند: هرکس اکرام کند مؤمن فقیهی را، در روز قیامت حقتعالی از او راضی و خشنود باشد و هرکس بی احترامی کند به مؤمن فقیهی حقتعالی در قیامت بر او غضبناک باشد. (۱)

شصت و پنجم: ثواب اکرام کریم را دارد.

شصت و ششم: حاصل می شود به آن مکافات [پاداش دادن] بعضی از احسانهای آن حضرت در حق ماها فی الجملة.

شصت و هفتم: حاصل می شود به آن اطاعت اولی الامر فی الجملة.

شصت و هشتم: رسیدن به درجات شهداء بلکه شهدای در خدمت امیرالمؤمنین ﷺ.

شصت و نهم: حاضر شدن ملائکه در مجلسی که در آن دعا کرده می شود در حق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه).

هفتم: آنکه دعا نمودن به آن حضرت در این زمان افضل و بهتر است از دعا کردن به آن حضرت در زمان ظهور و استیلای آنجناب به مقتضای احادیث و روایات.

و اکتفا می کنیم در این مختصر به همین مقدار و هرکس طالب بر اطلاع بر زیادتر از این است رجوع کند به کتاب مکیال المکارم که به بیانات وافیه و تحقیقات شافیه به دلیلهای بسیار از احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) ذکر نموده ام. (۱)

تنبیه

شروط فائز شدن به تمامی فوائد مذکوره بنحو کمال

از آنچه گفتیم ظاهر شد که این عمل شریف را در میان عبادات جای معینی است که از برای سایر عبادات نیست از جهت بسیاری ثوابهای عظیمه و فوائد جلیله که حاصل می شود به آن.

لکن باید دانست که فائز شدن به تمامی آن فوائد و ثوابها من حیث المجموع بر وجه کمال مشروط به سه شرط است بنابر آنچه ظاهر می شود از آیات و روایات بسیار.

شرط اول: ایمان است و مقصود از آن یقین قلبی و اقرار زبانی است به اصول دین و مذهب که تمام آنها راجع به سه مطلب است.

اول: معرفت به خداوند جلّ شأنه و وحدانیّت او و صفات ثبوتیه او که از جمله آنها عدل است و صفات سلبیّه او.

دوم: معرفت به رسول او حضرت خاتم النبیین ﷺ و خاتمیت آن حضرت و حقیّت جمیع آنچه فرموده است که از آنجمله است معاد و سایر ضروریات دین.

سوم: معرفت و شناسائی به دوازده امام که اوّل آنها حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و خاتم آنها امام زمان حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام باشند. و آنکه آن حضرت زنده است و غایب است و نخواهد مرد تا آنکه ظاهر شود و عالم را مملوّ از عدل فرماید.

معنی ضروریات دین

پس هرگاه نعوذ بالله کسی در یکی از امور مذکوره شک داشته باشد، مؤمن نیست و هیچ عملی از او قبول نمی‌شود و اگر به آن حالت مرد نجات ندارد. و همچنین اگر منکر یکی از ضروریات دین شود و مراد از ضروریات دین آن حکمهایست که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که نشو و نما کرده باشد در اسلام که آن حکم دین اسلام است مثل واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روزی و واجب بودن روزه ماه رمضان و حرام بودن ربا و شرب خمر و نحو اینها.

درجات تقوی و ثمره هر یک از آنها

شرط دوم: تحصیل تقوای واقعی، بدانکه تقوی به معنی پرهیزکاری است و آنرا چهار درجه است که بتفاوت آنها درجات ثواب و قبول اعمال شخص تفاوت پیدا می‌کند.

درجه اول: اجتناب از گناهان کبیره است و آن گناهانی است که در شرع بزرگ شمرده شده و هرگاه شخص این درجه را حاصل نمود از گناهان صغیره او عفو می‌شود و بثواب اعمال خیر و دخول بهشت فائز می‌شود و دلیل بر این است آیه شریفه «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا»^(۱) (یعنی اگر پرهیز کنید از گناهان کبیره که نهی کرده شده‌اید از آن، ما می‌بخشیم گناهان صغیره شما را و شما را به

جایگاه نیکو داخل می‌نمائیم) و روایات هم مطابق آن وارد شده است پس بر مؤمنی که طالب ثواب است و از عذاب حق تعالی ترسان است لازم است گناهان کبیره را اقلأً بشناسد تا از آنها پرهیز نماید. و در این خصوص مرحوم مبرور ثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی (رفع الله تعالی درجته) رساله خوبی نوشته‌اند، خوب است مؤمنین آنرا تحصیل نموده و از آن بهره‌مند شوند.

و پوشیده نماند که هر گناه صغیره چون اصرار بر آن کنند کبیره می‌شود چنانچه در روایت وارد شده و نقل اجماع علماء نیز بر آن شده است. و ترک هر واجبی حرام است لکن بعضی واجبات ترکش گناه کبیره است مثل ترک نماز و بعضی دیگر ترکش حرام است لکن گناه صغیره است مثل ترک جواب سلام که کبیره بودنش معلوم نیست مگر اینکه باعث هتک احترام مؤمن و ایدای به او شود.

درجه دوم: که بالاتر از اوّل است پرهیز نمودن از تمام گناهان است و واضح است که هرکس این درجه را حاصل کرد ثواب عباداتش اکمل از اوّل است و تحصیل این دو درجه از تقوی واجب است به مقتضای آیات و روایات. **درجه سوم:** که از آنها بالاتر است حاصل می‌شود به ترک مکروهات به جهت خوف از افتادن در محرّمات.

درجه چهارم: که از آن سه درجه بالاتر است ترک مباحات است به جهت ترس از افتادن در مکروهات و محرّمات و این دو درجه مقام مؤمنین کاملین است که هر عملی از آنها صادر می‌شود مقرون به رضای حضرت حق سبحانه و تعالی است.

لزوم تهذیب اخلاق

شرط سوم: از شروط رستگار شدن بثوابهای کامله، تهذیب نفس است از صفات رذیله یعنی صفات خبیثه که در باطن انسان کمین ساخته و او را از ساحت قرب الهی دور انداخته‌اند مثل تکبر و حرص و حسد و کینه و تناف و محبت دنیا و عُجب و غیرها را از خود دور نماید که با وجود بودن آنها شخص به مطلوب خود نخواهد رسید بلکه بعضی از صفات خبیثه چنان با اثر است که بکلی شخص را از ثواب محروم می‌کند بلکه باعث زوال ایمان می‌شود مثل محبت دنیا و نحو آن و اگر بخواهم در این مطالب تنصیل بدهم کتاب بزرگی خواهد شد لهذا به همین مقدار اشاره نمودیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

پس هرگاه شخص مؤمن با حصول شرایط مذکوره اهتمام و مداومت نمود در دعای بوجود مبارک امام زمان (عجل الله فرجه) و طلب نمودن تعجیل در فرج و ظهورش را از خلاق عالم جلّ شأنه، فائز می‌شود به تمامی فوائد مذکوره بنحو کمال انشاء الله تعالی.

فصل: سه جواب از شبهه قاصرین

بساست که بعضی از کوتاه نظران استبعاد کنند و بگویند چگونه به ازای عمل کوچک مختصری این همه ثوابات و منافع داده شود و جواب از این شبهه از سه راه است.

اول: آنکه این عمل شریف یعنی دعای به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان (عجله الله) کوچک نیست در نزد اهل بصیرت تا آنکه جای این استبعاد باشد بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند مثل آنکه یک دانه جواهر کوچک بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد لکن اهل خُبیره آن می داند و شخص ناشی را نمی رسد که به آن اعتراض کند که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی و عالم به شأن و قیمت این دعا، خلاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشند.

و مثل دعای به امام زمان (روحی و ارواح العالمین فداه) مثل کلمتین شهادتین است، هرچند کوچک و مختصر است لکن بمحض گفتن، شخص کافر، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود و هکذا سایر آثاری که دارد و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن انکار آثار آنرا نماید.

جواب دوم: آنکه ثوابهاییکه حقتعالی به ازای هر عملی اعطا می فرماید از راه تفضّل است نه استحقاقِ شخص و مثل این دعا و سایر عبادات مثل هدیه است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد. یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند بلکه به مقتضای کرم خود انعام

می فرماید بساهست یک گل به او تعارف می کنند صد تومان انعام می دهد و همه کس او را تحسین می کند.

حدیثی در عطای حضرت سیدالشهداء علیه السلام

در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل به آن حضرت تعارف کرد آنجناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آنکه تمام این عطاها و مثوبات که بدعا کننده در حق امام زمان علیه السلام عطا می شود فی الحقیقه عطیه خداوند جل شأنه است بخود آن حضرت و اکرام آن حضرت است و واضح است که آنجناب استحقاق این مراتب و مافوق آنها را دارند.

مثلاً هرگاه شخص بزرگی، شخص بزرگی دیگر را ضیافت نمود نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسانها و انعامهایی می کند که آنها بخودی خود لیاقت آنگونه تجلیلات را ندارند لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ، مورد آن الطاف می شوند و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنها است و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها علی حسب مراتبهم بشود باعث تکدر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود. چنانچه کثرت ثوابها و عطاها هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیدالشهدا علیه السلام عنایت می شود از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت نه از جهت استحقاق خودشان. بیت:

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند

دو عالمی ز کریمان عجب نپندارند

اوقاتیکه مؤکد است دعای به آن حضرت

مطلب هفتم در بیان اوقات و حالاتیکه اهتمام و تأکید در دعا نمودن از برای آنجناب و مسئلت تعجیل فرج آن حضرت بیش از سایر اوقات شده و در این مختصر بذکر جمله‌ای از آنها اکتفا می‌نمایم:

اول: در قنوت نمازها چنانچه در قنوت‌هایی متعدده از ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) روایت شده از آنجمله در مستدرک الوسائل روایت است که حضرت صادق (علیه‌السلام) به شیعیان خود امر می‌فرمودند که در قنوت نمازها بعد از کلمات فرج (کلمات فرج این است لا اله الا الله الحليم الكريم) ^(۱) این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخِصَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ مُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ أَنْتَ دُعِيتَ بِاللُّسْنِ وَ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ كَثْرَةَ أَعْدَائِنَا وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ تَظْهِرُهُ وَ إِمَامِ حَقِّ تَعْرِفُهُ إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ^(۲)

حقیر گوید: هر گاه نتواند این دعا را بخواند یا وقت تنگ باشد کفایت می‌کند اینکه بگوید: اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ عَجِّلْ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.

۱-... لا اله الا الله العلي العظيم سبحانه الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و مافيهن و ما بينهن و رب

العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين. ۲- الذکری: ۱۸۴، عنه المستدرک: ۴/۳۰۲ ح ۷، البحار: ۲۰۷/۸۵.

دوم: بعد از هر نماز واجب چنانچه ذکر خواهد شد.

سوم: بعد از هر دو رکعت از نماز نافله شب.

چهارم: هر صبح و شام بخصوص.

پنجم: هر وقت آن حضرت را زیارت می‌کنی چنانچه شهید (ره) در دروس فرموده.

ششم: هر وقت می‌خواهی برای خودت دعا کنی اول برای آنجناب دعا کن بعد در حق خودت چنانچه از روایات و ادعیه مستفاد می‌شود.

صلوات روز پنجشنبه

هفتم: روزهای پنجشنبه بخصوص، در جمال الاسبوع روایت فرموده که در روز پنجشنبه مستحب است که صد مرتبه بگویند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ^(۱) و از برای آن فضیلت بسیار است.

هشتم: روزهای جمعه خصوص وقت زوال و بعد از نماز ظهر و عصر آن، از حضرت صادق علیه السلام مروی است که افضل اعمال روز جمعه آنست که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.^(۲)

۱- جمال الاسبوع: ۱۲۱، مصباح المنهجد: ۲۵۷، عنهما البحار: ۳۴۱/۹ ح ۵۷.

۲- جمال الاسبوع: ۲۷۷، عنهما البحار: ۹۱/۹۰ ضمن ح ۴.

نهم: روز عید ماه رمضان.

دهم: روز عید قربان.

یازدهم: روز عید غدیر.

دوازدهم: روز عرفه.

سیزدهم: روز بیست و پنجم ماه ذیقعدة که ذوالارض^(۱) است.

چهاردهم: شب نیمه ماه شعبان.

پانزدهم: روز نیمه شعبان.

شانزدهم: تمام ماه رمضان.

هفدهم: خصوص شبهای آن.

هجدهم: خصوص شب قدر.

نوزدهم: خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان بعد از نماز صبح.

بیستم: روز عاشورا، و ادله هر یک را در کتاب مکیال المکارم ذکر کرده‌ام.

بیست و یکم: روز نوروز است بملاحظه حدیث معلی بن خنیس که در

زادالمعاد مسطور است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ روز نوروزی

۱- یعنی پهن شدن زمین از زیرخانه کعبه بر روی آب، روزه گرفتن در این روز مثل روزه هفتاد سال است. در این

روز شریف، دعائی از ائمه علیهم السلام رسیده که متضمن دعا برای فرج امام زمان علیه السلام می باشد. به کتاب

مفاتیح الجنان مراجعه شود.

نیست مگر آنکه ما انتظار فرج می‌کشیم.^(۱)

پس مؤمن هم باید تأسی به امام خود نماید و در انتظار و دعاگوئی او اهتمام تمام نماید.

بیست و دوم: هر وقت هم و غمی عارض می‌شود باید مخصوصاً دعای به امام زمان علیه السلام نماید و طلب رفع هم و غم آن حضرت را از حق تعالی بنماید چونکه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: هر وقت هم و غمی عارض قلب امام می‌شود آن غم اثر در قلوب شیعیانش می‌کند.^(۲)

و از این جهت بعضی اوقات قلب مؤمن محزون و غمناک می‌شود با وجود آنکه جهتی ظاهراً از برای آن نمی‌یابد.

۱- البحار: ۳۰/۷۵۲ ح ۸۲ زادالمعاد: ۵۲۳.

۲- بصائر الدرجات: ۲۶۰ ح ۲، عنه البحار: ۱۴۰/۲۶ ح ۱۲.

بعضی از آداب دعای به آن حضرت

مطلب هشتم: بدانکه فائز شدن به فوائد مذکور ه از برای دعا نمودن به تعجیل امر فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام به نحو کمال حاصل می شود به اینکه شخص مداومت و اهتمام داشته باشد و دعای بوجود مبارک امام زمان علیه السلام و طلب فرج و ظهور آن حضرت از خداوند عالمیان جلّ شأنه و اینکه این دعا را بسیار کند و طلب فرج و ظهور او را و رفع هموم و غموم را از قلب مبارک او از حق تعالی بسیار نماید به هر زبان که باشد چه فارسی چه عربی چه غیر آنها، لکن سزاوار است که در آن حال با کمال تضرّع و زاری دعا کند مثل کسی که از برای عزیزان اهل خودش دعا می کند در حال اضطراب او و غرضش از دعا کردن به آن حضرت محبت به حضرت حق تعالی شأنه و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام باشد.

و بهتر آن است که دعاهائی را که از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده به جهت آن بزرگوار بخواند و آنها بسیار است.

و این حقیر در این مختصر به ذکر چند دعا اکتفا می نمایم:

اول: در فقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان.

دعای بعد از هر نماز واجب

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيًّا وَ
 بِعَلِيِّ وَ لِيَاءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ
 بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ أئِمَّةَ اللَّهِ
 وَلِيَّتِكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ
 مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ أَمُدُّ لَهٗ فِي عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ الْمُسْتَنْصِرَ
 لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ تُقْرِبِهِ عَيْنَهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ
 فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تُقْرِبِهِ
 عَيْنَهُ وَ أَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ. (۱)

دوم: در بحار و غیره از حضرت صادق ﷺ روایت شده که این دعا را
 بعد از هر نماز بخوانند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ الْأَمِينَ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكَتَ وَ تَعَالَيْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا
 فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَائِلَهُ
 اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ [الْأَوْلِيَاءِ] الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ
 وَ الْعَافِيَةَ وَ لَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي. (۲)

۱- الفقيه: ۳۲۷/۱ ح ۹۶۰.

۲- البحار: ۷/۸۶ ح ۷، فلاح السائل: ۳۰۳ ح ۲۰۵، مکارم الاخلاق: ۲۸۴.

سوم: در فروع کافی روایت شده که این دعا را در هر حال و هر وقت بخوانند خصوصاً در ماه رمضان خصوص در شب بیست و سوم آن می گوئی بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۱)

چهارم: در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام روایت است که باید صلوات فرستاد بر حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) به این کیفیت. مؤلف گوید: چونکه این صلوات مشتمل است بر دعای به آن حضرت، در هر حال و هر وقت مناسب است خواندن آن.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذَهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَّائِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ

۱- الکافی: ۱۶۲/۴، التهذیب: ۱۰۳/۳، این دعا بصورت دیگری نیز وارد شده است. به مفاتیح الجنان در دعای

شب بیست و سوم ماه رمضان رجوع شود.

الْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ
بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ
أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ
الْعَالَمِينَ آمِينَ. (۱)

پنجم: دعائی است که در جمال الاسبوع از حضرت رضا (علیه السلام) روایت
شده که دعا نماید به حضرت حجّة (عجل الله تعالی فرجه) به این دعا و
این دعا وقت مخصوصی ندارد بلکه هر وقت بتوانند این دعای شریف را
بخوانند و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَن وَّلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ
عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنكَ بِأَذْنِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ
النَّاظِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَ شَاهِدِكَ [شاهداً] عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ
الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ اللَّهُمَّ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ
وَ أَنْشَأَتْ وَ صَوَّرَتْ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن
شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ أَحْفَظْ
فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ [أَبَا أَيْمَتِكَ] أَيْمَتِكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيعُ وَ فِي جِوَارِكَ
الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَ فِي مَنْعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ اللَّهُمَّ وَ أَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ
الَّذِي لَا يُخْذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ

۱- جمال الاسبوع: ۴۹۳، این دعا در مقاتب الجنان قبل از فضیلت زیارت قبور انبیاء آورده شده است.

وَانصُرُهُ بِنصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ اَيِّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِكَ وَ اَرْدِفُهُ
بِمَلَائِكَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهِ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ اَلْبَسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ
وَ حُفَّهُ بِالمَلٰئِكَةِ [بِمَلَائِكَتِكَ] حَقًّا اَللّٰهُمَّ وَ بَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِيْنَ
بِقِسْطِكَ مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّنَ اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ اَرْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ اَمِتْ بِهِ
الْجَوْرَ وَ اَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ وَ اَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ وَ اَنْصُرُهُ
بِالرُّغْبِ وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لِدُنْكَ عَلٰى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ
سُلْطٰنًا نَصِيْرًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ وَ الْاِمَامَ الَّذِيْ بِهِ تَنْتَصِرُ وَ اَيِّدُهُ
بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَ فَتْحِ قَرِيْبٍ وَ وَرْثُهُ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا الْاَتْمٰى بَارَكْتَ
فِيْهَا وَ اٰخِيْ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوٰتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِنْ
الْحَقِّ مَخٰفَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ قُوَّةَ ناصِرِهِ وَ اخْذُلْ خٰذِلَهُ وَ دَمْدِمْ عَلٰى مَنْ
نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ عَلٰى مَنْ غَشَّهٗ اَللّٰهُمَّ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمَدَهُ وَ
دَعَائِمَهُ وَ الْقَوَامَ بِهِ وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلٰلَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَ مُمِيْتَةَ
السُّنَّةِ وَ مُقَوِّيَةَ الْبٰطِلِ وَ اَذِلُّلْ بِهِ الْجَبّٰرِيْنَ وَ اَبْرِ بِهِ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ وَ
جَمِيْعَ الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا وَ اَيْنَ كَانُوْا مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ
بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتّٰى لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا تُبْقِيْ لَهُمْ اَثٰرًا
اَللّٰهُمَّ وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ اعْزِ بِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اٰخِيْ بِهِ
سُنْنَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّنَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا مَجِيْ مِنْ دِيْنِكَ وَ بُدِّلْ
مِنْ حُكْمِكَ حَتّٰى تُعِيْدَ دِيْنَكَ بِهِ وَ عَلٰى يَدَيْهِ عَضًّا جَدِيْدًا صٰحِيْحًا مَحْضًا
لَا عَوِجَ فِيْهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتّٰى تُنِيْرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيْرَانَ
الْكُفْرِ وَ تُظْهِرَ بِهِ مَعٰقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُوْلَ الْعَدْلِ وَ تُوَضِّحَ بِهِ مُشْكِلَاتِ الْحُكْمِ
اَللّٰهُمَّ فَاِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِيْ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ

اصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَ ائْتَمَّتْهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ
 مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ صَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ
 اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ اِنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَ لَمْ
 يَأْتِ [الْاَتَى] حُوبًا وَ لَمْ يَزْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ
 يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً وَ اِنَّهُ الْاِمَامُ
 التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْتَدِي [الْمُهْتَدِي] الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ
 اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَبَائِهِ وَ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ وَلَدِهِ وَ اَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ
 وَ جَمِيْعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقْرِبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسْرِبُهُ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ
 كُلُّهَا قَرِيْبًا وَ بَعِيْدًا وَ عَزِيْزًا وَ ذَلِيْلًا حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ
 يَغْلِبَ بِحَقِّهِ [عَلَى كُلِّ] كُلِّ باطلٍ اَللّٰهُمَّ وَ اسْلُكْ بِنَا عَلِيًّا بِدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى
 وَ الْمَحَجَّةَ الْعَظْمَى وَ الطَّرِيْقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا
 التَّالِي اَللّٰهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ اَمُنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابِعَتِهِ
 وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِيْنَ بِاَمْرِهِ الصَّابِرِيْنَ مَعَهُ الطَّالِبِيْنَ رِضَاكَ بِمُنَاصِحَتِهِ
 حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ [لَنَا] مِنْ اَلَيْكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ
 وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ اِلَّا وَجْهَكَ وَ
 حَتَّى نُحِلَّنَا مَجْلَهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ لَا تَبْتَلِنَا فِي اَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَ
 الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ الْفَشْلِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِديْنِكَ وَ تُعَزِّبُهُ نَصْرًا
 وَ لِيْكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَاِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيْرٌ وَ هُوَ
 عَلَيْنَا كَبِيْرٌ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ وَ بَلَّغْهُمْ
 اَمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي اَجَالِهِمْ وَ اَنْصُرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِ

دینک و اجعلنا لهم اعدواناً و على دينك انصاراً و صل على آباءه
 الطاهرين الائمه الراشدين اللهم فانهم معادن كلماتك و خزان علمك و
 ولاة امرک و خالصتک من عبادک و خيرتک من خلقک و اولياؤک و
 سلائل اولياؤک و صفوتک و اولاد اصفياؤک صلواتک و رحمتک و
 بركاتک عليهم اجمعين اللهم و شرکاؤه في امره و معاونوه على طاعتک
 الذين جعلتهم حصنه و سلاحه و مفرغه و انسہ الذين سلوا عن اهل و
 الاولاد و تجافوا الوطن و عطلوا الوثير من المهاد قد رفضوا تجارتهم و
 اضرؤوا بمعایشهم و فقدوا في انديتهم بغير غيبه عن مضرهم و خالفوا
 البعيد ممن عاضدهم على امرهم و خالفوا القريب ممن صد عن وجهتهم
 و ائتلفوا بعد التدابر و التقاطع في دهرهم و قطعوا الاسباب المتصلة بعاجل
 حطام من الدنيا فاجعلهم اللهم في جزرك و في ظل كنفك و رده عنهم
 بأس من قصد اليهم بالعداوة من خلقک و اجزل لهم من دعوتک من
 كفايتک و معونتك لهم و تأييدک و نصرته اياهم ما تعينهم به على
 طاعتک و ازهق بحقهم باطل من اراد اطفاء نورک و صل على محمد و
 آله و املاً بهم كل افق من الافاق و قطر من الاقطار قسطاً و عدلاً و مرحمة
 [رحمة] و فضلاً و اشكر لهم على حسب كرمك و جودك و ما مننت به على
 القائمين بالقسط من عبادك و اذخر لهم من ثوابك ما ترفع لهم به
 الدرجات انك تفعل ما تشاء و تحکم ما تريد آمين آمين رب العالمين. (۱)

۱- جمال الاسبوع: ۳۱۱، عنه البحار: ۳۳۰/۹۵ ح ۴، این دعا بصورت دیگری نیز در مفاتیح الجنان بعد از دعای عهد

روایت شده ولی آنچه در اینجا نقل شده کاملتر می باشد.

ششم: صلواتی است که از خود آن حضرت (علیه السلام) در جمال الاسبوع و بحار روایت شده و مشتمل است بر دعای به جهة آنجناب و صلوات بر آن حضرت صلوات الله علیه.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
 الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ
 كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ الْمُتَّجِي لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ اِلَيْهِ دِيْنُ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ
 شَرَّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بَرَهَانَهُ وَ اَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ اَضِيْ نُورَهُ وَ بَيِّضْ
 وَجْهَهُ وَ اَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيْلَةَ وَ الْوَسِيْلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَ اَبْعَثْهُ مَقَاماً
 مَحْمُوداً يَغِيْبُهُ بِهٖ الْاَوْلُوْنَ وَ الْاٰخِرُوْنَ وَ صَلِّ عَلٰی اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ
 الْمُرْسَلِيْنَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ
 صَلِّ عَلٰی الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ
 حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِيْنَ] وَ اِمَامِ
 الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ
 صَلِّ عَلٰی مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی عَلِيِّ بْنِ مُوسَى اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ
 حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاْرثِ

الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ
 [الصَّالِحِ] الْهَادِي الْمَهْدِيِّ [إِمَامِ الْهُدَى] إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ الْهَادِينَ وَ
 الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ تَرَاجِمَةِ
 وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ
 لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ خَصَصْتَهُمْ
 بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكِرَامَتِكَ وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ
 غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَ حَفَفْتَهُمْ
 بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ
 صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ
 لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ [وَ] صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ
 بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ [وَ] حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خَلِيفَتِكَ
 فِي أَرْضِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ وَ مُدِّ فِي عُمُرِهِ وَ زَيِّنِ
 الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْخَاسِدِينَ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ
 وَ أَرْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي
 نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ أَهْلِ
 الدُّنْيَا مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسْرِبُهُ نَفْسُهُ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَلْتَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَحْيِ بِهِ مَا
 بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى

يَدِيهِ غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لِأَشْكَ فِيهِ وَ لِأَشْبُهَةٍ مَعَهُ وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ
وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ اهْدِم بِعِزَّتِهِ
كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ
جَائِرٍ وَ أَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ
مَنْ نَاوَاهُ وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ أَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ حَجَدَ حَقَّهُ
وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الْمُتَّقِينَ وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرَّضَا وَ
الْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ جَمِيعَ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ
مَنَارِ التَّقَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ صَلِّ عَلَى
وَلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْإِيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مُدْفِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ
بَلَّغُهُمْ أَفْضَلَ [أَفْضَى] إِمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. (١)

عَلِيَّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ أَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لِأَشْكَ [لَارَيْبَ] فِيهَا يَوْمَ
 لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ أَنَّ
 الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ
 الصِّرَاطَ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ
 حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ
 أَطَاعَكُمْ فَأَشْهَدُ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ
 فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ
 مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ خَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ
 بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيكُمْ وَ أَخْرِكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ
 وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

دعائیکه بعد از این زیارت باید خوانده شود اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ
 صَدْرِي نُورَ الْإِيْمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النَّيَّاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي
 نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصْرِي
 نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ حَتَّى الْفَاكِ وَ قَدَوْفِيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتُغَشِّبْنِي رَحْمَتِكَ يَا
 وَلِيُّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي
 بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمَ بِقِسْطِكَ وَ الشَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لِيَّ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ
 وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ

سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ عِلْمَ الْهُدَى وَ نُورَ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى
وَ مَجَلَى الْعَمَى الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَايَكَ الَّذِي
فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَ لَهُمْ تَطْهِيرًا
اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَ اَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ اَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَايَكَ وَ اَوْلِيَاءَهُ وَ شَيْعَتَهُ وَ
اَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ
خَلْقِكَ وَ اَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ اَحْرُسْهُ
وَ اَمْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اَحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ آلَ رَسُوْلِكَ وَ
اَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ اَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اَخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اَقْصِمِ
قَاصِمِيهِ وَ اَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِيْنَ وَ جَمِيعَ
الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا [وَ] بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا
وَ اَمْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ اَظْهِرْ بِهِ دِيْنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي
اَللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ اَرْنِيْ فِيْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ
مَا يَأْمُلُوْنَ وَ فِيْ عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُوْنَ اِلَهَ الْحَقِّ اَمِيْنَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. (۱)

۱- الاحتجاج: ۳۱۶/۲، الزام الناصب: ۸۶ به بعد، بحار: ۱۷۱/۵۳، این زیارت شریف در کتاب مفاتیح الجنان تحت

عنوان زیارت صاحب الامر ﴿علیہ السلام﴾ آورده شده است.

فصل

مستحب است مداومت به این دعای شریف که در منهج از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) به سند معتبر روایت شده و در این خصوص برای این عاصی واقعه شریفه اتفاق افتاد که ذکرش منافی با اختصار است.

حقیر گوید: واضح است که در مقام اظهار محبت کامله به آنجناب اگر تحفه‌ای بهتر سراغ داشت آن را ذکر می نمود. [و آن دعا این است]:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ أَنْ إِلَيْكَ الْمُتَهَيُّ وَ
الرُّجْعَى وَ أَنْ لَكَ الْآخِرَةُ وَ الْأُولَى وَ أَنْ لَكَ الْمَمَاتَةَ وَ الْمُحْيَا رَبِّ أَعُوذُ
بِكَ أَنْ أُذِلَّ أَوْ أَخْزَى. (۱)

دعای دیگر که بسیار باید خواند.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (۲)

۱- جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل نموده که جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت ای نبی خدا بدان که من هیچ پیامبری را

مثل تو دوست نداشته‌ام پس زیاد بگو اللهم... مهج الدعوات/۱۷۲، بحار: ۲۶۸/۹۱.

۲- بحار: ۱۴۸/۵۲ این دعا معروف به دعاء خریق می باشد که در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) خواندن آن بسیار

سفارش شده است.

ختم کتاب به چند رباعی از انشائات ابن عاصی:

عید آمد و شد ز لاله بستان پرنور

هر کس بخیالی بجهان شد مسرور

ما را غم و محنت و الم شد پر زور

ز آنرو که جمالت بود از ما مستور

✽

ای ما حصل مراد از کون و مکان

باز آ که شود جهان بتو رشک جنان

بی دیدن طلعت تو ای جان جهان

حظی نبود مرا ز باغ و بستان

✽

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز

افتاده ز دوری تو در سوز و گداز

زان پیش که خصم دون بما طعنه زند

ما را بیکی نظاره شاهان بنواز

بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حُسْنِ تَأْيِيدِهِ تَمَامٌ شَدَّ كِتَابُ كُنُزِ الْغَنَائِمِ فِي فَوَائِدِ الدَّعَاءِ

لِلْقَائِمِ أَرْوَاحِنَا لَهُ الْفِدَاءُ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

رَجَبُ الْمُرَجَّبِ سَنَةِ ۱۳۳۳

أَسْأَلُكُمْ الدَّعَاءَ

غزلی از فرزند ارشد صاحب مکبال المکارم (حاج آقا محمد فقیه احمدآبادی)

ای جدائی تو تنها نه مرا سوخته است
هر که باشد چو من بی سر و پا سوخته است
آتشی را که ز هجران خود افروخته‌ای
مرغ و ماهی بزمین و بهوا سوخته است
آتش عشق تو گر رخنه کند در عالم
ماسوی الله ز سمک تا به سما سوخته است
آنچه نالیم بدرگاه خدا در غم تو
گوئی از آتش ما بال دعا سوخته است
هر که با غیر تو پیمان موذت بندد
آری آری بخدا در دو سرا سوخته است
پاکشیدی ز میان انجمن ما بشکست
بی تو ای روح روان هستی ما سوخته است
ترک ما کرده‌ای ای بحر عنایت از آنک
آتش فتنه ما حاصل ما سوخته است
آنچنان سوخته در آتش عشق تو فقیه
نتوان یافت که باقی است و یا سوخته است

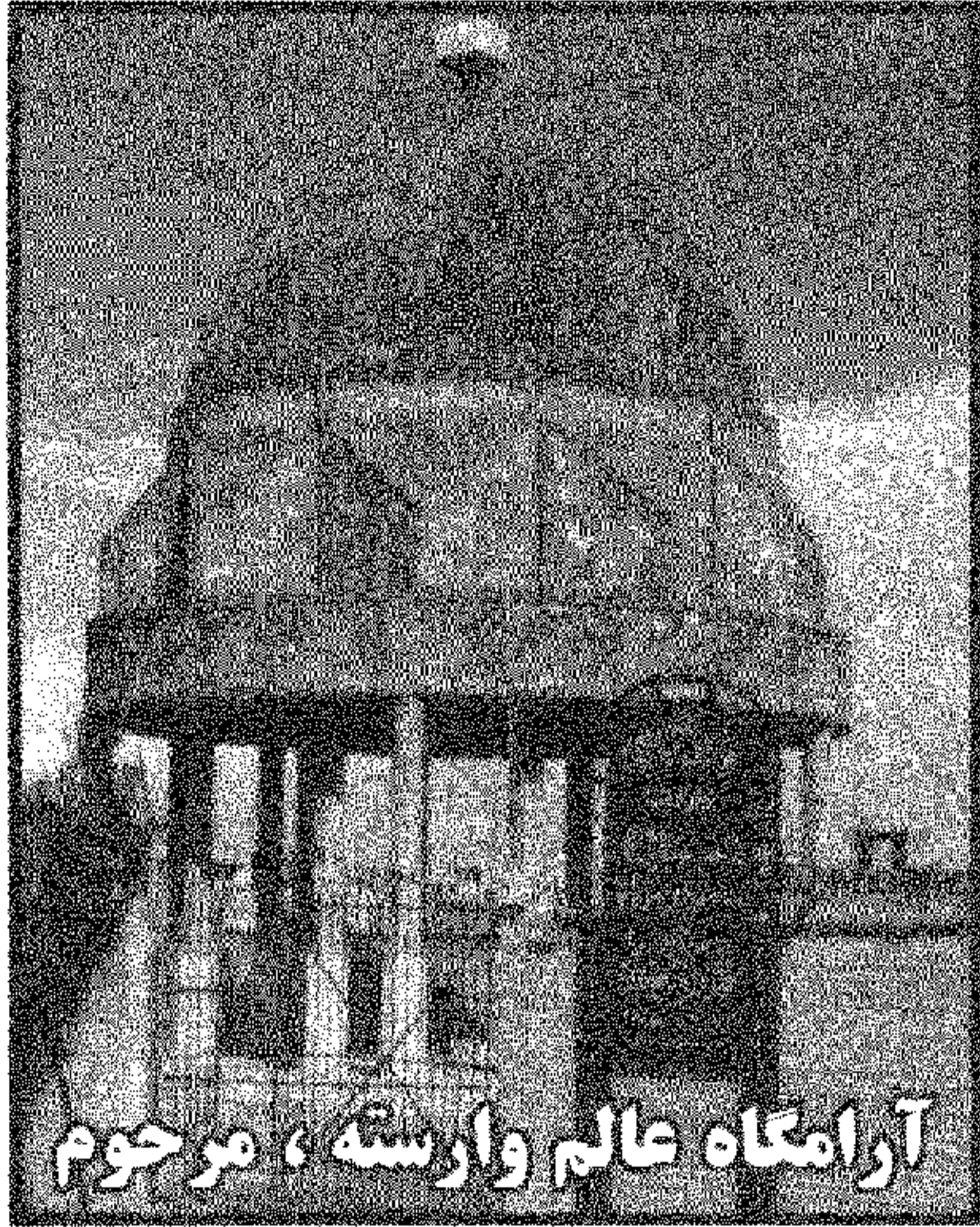
فهرست مصادر تحقيق

«القرآن الكريم»

<u>اسم كتاب</u>	<u>مؤلف</u>
امالى	محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى (الصّدوق)، ۳۸۱ هـ
احتجاج	ابومنصور احمد بن على بن ابیطالب طبرسى، قرن ۶ هـ
اقبال	على بن موسى بن طاووس، ۶۴۴ هـ
الزام الناصب	شيخ على يزدى حائرى
بحار الانوار	محمد باقر مجلسى، ۱۱۱۰ هـ
البرهان فى تفسير القرآن	سيد هاشم بحراني، ۱۱۰۷ هـ
بصائر الدرجات	محمد بن الحسن الصفار القمى، ۲۹۰ هـ
تأويل الآيات	شرف الدين على الحسينى النجفى، او اخر قرن دهم
التفسير	منسوب به امام حسن عسكرى (عليه السلام)
تفسير العياشى	محمد بن مسعود عياشى، ۳۲۰ هـ
تفسير فرات كوفى	فرات بن ابراهيم كوفى، قرن سوم
التهذيب	ابوجعفر محمد بن حسن الطوسى، ۴۶۰ هـ
جمال الاسبوع	على بن موسى بن طاووس، ۶۶۴ هـ

مؤلف	اسم كتاب
محمد بن علي بن الحسين بن بابويه التميمي (الصدوق)، ٣٨١هـ	الخصال
قطب الدين الراوندي، ٥٧٣هـ	الخرائج
شهيد اول، ٧٨٦هـ	الذكري
السيد محمد باقر الابطحي، معاصر	الصحيفة السجادية الجامعة
السيد محمد باقر الابطحي، معاصر	الصحيفة الرضوية الجامعة
محمد بن علي بن الحسين بن بابويه التميمي، ٣٨١هـ	عيون اخبار الرضا (عليه السلام)
محمد بن الحسن الطوسي، ٤٦٠هـ	الغيبة
محمد بن ابراهيم النعماني، ٣٦٠هـ	الغيبة
علي بن موسى بن طاووس، ٦٦٤هـ	فلاح السائل
محمد بن علي بن الحسين بن بابويه التميمي، ٣٨١هـ	كمال الدين
محمد بن يعقوب الكليني، ٣٢٩هـ	الكافي
ابو القاسم علي بن محمد بن علي الخزاز التميمي الرازي، ٤٠٠هـ	كفاية الاثر
مكيال المكارم (عسري، تسحق مؤسسه الامام المهدي، طبع چهارم) سيد محمد تقى موسى اصفهاني، ١٣٤٨هـ	
احمد بن محمد البرقي، ٢٧٤هـ	المحاسن
حسين نوري طبرسي، ١٣٢٠هـ	المستدرک

مؤلف	اسم كتاب
محمد بن الحسن الطوسي، ۵۶۴۰هـ	مصباح المتعجد
الشيخ محمد بن جعفر المشهدي، ۱۱۰۵هـ	المزار الكبير
الحسن بن فضل الطبرسي، ۵۴۸هـ	مكارم الاخلاق
علي بن موسى بن طاووس، ۶۶۴هـ	مهج الدعوات
محمد بن علي بن الحسين (الصدوق)، ۳۸۱هـ	من لا يحضره الفقيه (الفقيه)
ميرزا حسين نوري طبرسي، ۱۳۲۰هـ	نجم الثاقب
محمد بن الحسن الحر العاملي، ۱۱۰۶هـ	وسائل الشيعة



آرامگاه عالم و ارسنه ، مارجوم

آثار و بناهای تاریخی ایران



اصفهان ، تخت فولاد ، گلستان شهدا ، لسان الارض